



## پژوهشی در زمینه ها و شیوه های همیاری در اسلام

پدیدآورنده (ها): بهروان، حسین

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: زمستان ۱۳۷۰ - شماره ۳۳ (ISC)

صفحات : از ۸۶ تا ۱۳۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58854>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

**کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- شیوه ها و زمینه های تباری در معاملات دولتی
- بحث تطبیقی پیرامون بررسی ریشه ها، پیش زمینه ها و خاستگاه های نظریه تکثر گرایی دینی در مسیحیت و اسلام
- پژوهشی در زمینه منطقه ها و سرزمین های آزاد
- گفت و گوی تمدن ها و ارتباطات بین المللی: بررسی زمینه های عینی و ذهنی در سه دهه پایانی سده بیستم
- نقد و نظر: نگاهی به پژوهشهای انجام شده در زمینه برنامه ها و کتب درسی آموزش زبان دانشگاهها با رویکردی به پایان نامه های تحصیلی
- گزارشگری مالی بر حسب قسمت های مختلف واحد تجاری: آزمایش تجربی بار اطلاعاتی و زمینه یابی کاربردها و محدودیت ها در ایران
- تحلیل و پیش بینی مهمترین متغیرهای کلان اقتصادی در سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹: اقتصاد کلان کشور ضرورت اصلاح در همه زمینه ها
- جهانی شدن و کشورهای جهان اسلام بسترهای هم گرایی ها و زمینه های واگرایی ها
- نظرات و دیدگاه های مختلف در زمینه ایران، اسلام و منطقه: خاطرات مک فارلین
- نظرات و دیدگاه های مختلف در زمینه ایران، اسلام و منطقه: آخرین سفیر شاه در عربستان

پژوهشی در

# زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری در اسلام



حسین بهروان  
گروه علوم اجتماعی

اگرچه موضوع تعاون در جامعه انسانی دارای سابقه بسیار طولانی است، ولی بررسی آن از دیدگاه‌های مختلف علمی قدمتی به آن اندازه، ندارد. تعاون از دیرباز جزء لاینفک زندگی اجتماعی انسان بوده است و فلاسفه و علمای دینی درباره آن به بحث پرداخته‌اند. لیکن دانشمندان در قرون اخیر تعاون را از دیدگاه علمی مورد تحقیق قرار داده و آن را نوعی سازمان اقتصادی - اجتماعی که دارای اهداف عینی در زندگی اجتماعی می باشد، معرفی کرده‌اند. به این ترتیب، اصطلاح تعاونی‌های علمی برای این گونه سازمانها به کار رفته و از آنها در کشورهای مختلف جهان برای رفع مشکلات گوناگون اقتصادی - اجتماعی استفاده شده است. با وجود این، در مباحث نظری تعاونی‌های علمی از موضوع اخلاق نیز سخن به میان آمده و بویژه در طراحی اصول تعاونیها و نیز در چگونگی عملکرد و موفقیت آنها مسائل اخلاقی مطرح شده است. بدین ترتیب، محتوای هر عمل تعاونی با اخلاق همراه است و تأثیر اخلاق در اعمال تعاونی امری غیرقابل انکار می باشد.

هدف این گفتار اساساً متوجه بررسی تعاون اخلاقی است و در آن اخلاقیاتی که در جهت کمک به هموعان است مورد بحث قرار می گیرد. اگرچه به نظر می رسد که تعاون اخلاقی

شامل اخلاق در تعاونها نیز هست، ولی چون در تعالیم اسلامی شکل خاصی از تعاون مانند آنچه که امروزه به نام شرکتهای تعاونی معروف است، معرفی نشده است؛ بنابراین بحث حاضر نمی تواند مستقیماً این گونه تعاونی ها را بررسی کند؛ لیکن در مجموع می توان نتیجه گرفت که تعاون اخلاقی منجر به روح تعاون شده و موفقیت تعاونیهای علمی یا شرکتهای تعاونی را از برخی جهات نیز به دنبال خواهد داشت.

## قلمرو بررسی

تعیین قلمرو تعاون اخلاقی در میان تعالیم اخلاقی اسلام چندان ساده نیست، زیرا اخلاق اصولاً در اسلام برای بهبود روابط اجتماعی انسانها و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی مقرر شده است و به این ترتیب همه صفات اخلاقی به نحوی با اجتماع و نیازهای کمالی آن مربوط خواهد شد. با این وجود، تعاون اخلاقی شامل الگوهای رفتار در جامعه است که منجر به پر کردن خلأها و نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی می شود.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که مفهوم تعاون اخلاقی تنها شامل الگوهای اخلاقی خاصی نیست بلکه همچنین بیان کننده عمل و رفتار تعاونی نیز می باشد و غرض از بحث اخلاق در بیان علمای دینی اسلام نیز چیزی جز این نیست، زیرا اخلاق به خودی خود مورد نظر نیست بلکه شناخت اخلاق مقدمه کردار است تا به شیوه یا الگوی خاصی صورت گیرد. مرحوم علامه طباطبائی (ره) چنین بیان می کند: «علم اخلاق... به این غرض بحث می کند که فضایل آنها را از ردایلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آنها خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضایل درونی است انجام دهد...»<sup>۱</sup>

بدین گونه قلمرو بررسی تعاون اخلاقی، دربرگیرنده آن دسته از صفات و احکام اخلاقی است که معطوف به رفع نیاز مادی و معنوی افراد جامعه است. تعاون اخلاقی در اسلام در کنار سایر برنامه ها و احکام اسلام که برای اداره امور جامعه اسلامی تشریح شده اند و لزوماً جنبه اخلاقی ندارند، قرار می گیرد. در میان احکام و صفات اخلاقی نیز برخی در جهت کمال معنوی فرد است و مستقیماً معطوف به نیاز مادی و معنوی دیگران نیست. لیکن از طریق ارتباط اخلاقی با دیگران به طور غیرمستقیم نیاز خود را بر آورده می کند بنابراین تحت عنوان خودیاری اخلاقی در قلمرو این بررسی قرار می گیرد. در نتیجه تعاون اخلاقی اگرچه جایگاه خود را در میان اخلاق

اجتماعی تعیین می کند ولی شامل همه اخلاق اجتماعی نمی تواند باشد بلکه در انتخاب صفات و الگوهای اخلاقی، تأکید یا صراحت بر کمالات مادی و معنوی خود یا دیگری و یا جامعه مورد توجه بوده است.

سرانجام، محتوای تعاون اخلاقی اگرچه ریشه در منابع اصیل اسلامی یعنی قرآن، حدیث و سیره یا روش اخلاقی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) دارد ولی به علت گسترده‌گی منابع، در این بررسی فقط سخنان علی علیه السلام و عمدتاً نهج البلاغه پایه و اساس مطالعه قرار گرفته است. امید است در بررسیهای بعدی منابع دیگر اسلامی نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

## هدف تعاون اخلاقی

تعاون اخلاقی در زمینه هدف با سایر اشکال تعاون امروزی تفاوت زیادی ندارد. هدف این گونه تعاون رفع مشکلات و دشواریهای اجتماعی - اقتصادی و یا حتی روانی و فکری مردم است. تعاون اخلاقی نوعی یاری است که در مقیاسهای مختلف اجتماعی صورت می گیرد تا نیازهای گوناگون جامعه اسلامی را بر آورده کند. لیکن تفاوت عمده و آشکار این نوع تعاون با تعاونهای علمی (شرکتهای تعاونی) در آن است که هدف تعاون اخلاقی در اسلام همواره «خود» یا اهداف دنیوی نیست بلکه در نهایت و غایت، اهداف کمالی و معنوی یا اخروی مورد نظر است. بنابراین اهداف دنیوی بطور غیر مستقیم از تعاون اخلاقی حاصل می شود و نیز در متون اسلامی به طور مکرر به اهداف اخروی اشاره شده است. به عنوان مثال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قُلْتُ وَ كَيْفَ يَكُونُونَ خَدَمًا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: قَالَ: يُفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا»<sup>۲</sup> بعضی مؤمنان خدمتکار بعضی دیگرند، (راوی گوید) سؤال کردم چگونه بعضی خدمتکار برخی دیگرند؟ فرمود: بعضی برای دیگران مفید واقع می شوند. و از طرف دیگر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «عَلَامَةُ الْبَارِ فَعَشْرَةٌ: يُحِبُّ فِي اللَّهِ، وَيَغْضُ فِي اللَّهِ وَيُصَاحِبُ فِي اللَّهِ وَيُقَارِقُ فِي اللَّهِ، وَيَغْضَبُ فِي اللَّهِ، وَ يَرْضَى فِي اللَّهِ، وَيَعْمَلُ لِلَّهِ، وَيَطْلُبُ إِلَيْهِ، وَيَخْشَعُ لِلَّهِ، وَ خَائِفًا مَخَوْفًا طَاهِرًا مُخْلِصًا مُسْتَحْيِبًا مُرَاقِبًا، وَيُحْسِنُ فِي اللَّهِ»<sup>۳</sup> نیکو کار ده نشانه دارد: دوستی می کند در راه خدا، دشمنی می کند در راه خدا، همراهی می کند در راه خدا، دوری می کند در راه خدا، خشم می کند در راه خدا، خوشنود می شود در راه خدا، کار می کند برای خدا و رغبت او به سوی خداست، فروتن است برای خدا، و ترسان و با ابهت و پاک و مخلص و باحیا و مراقب اعمال خویش است، و نیکی می کند برای خدا. روایت اول هدف دنیوی اخلاق و تأثیر آن در زندگی؛ و روایت دوم هدف

معنوی و اخروی اخلاق را بیان می کند. نمونه های بسیار زیاد دیگری برای این مقصود و در روایات معصومین (ع) وجود دارد که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می شود.

## انواع اخلاق تعاونی

همان طور که اشاره شد، اخلاق تعاونی متوجه دفع نقص و کمبود، یا کمک در جهت کمال شخص یا اشخاص است. بنابراین انواع اخلاق تعاونی با دو ملاک، یکی «نیازمند» و دیگری «ماهیت نیاز» به نحو زیر طبقه بندی شده است:

**الف - هلاک نیازمند:** در هر عمل تعاونی نیازی مطرح است که مقصود از این عمل برطرف کردن آن است. همچنین در هر عمل تعاونی دو طرف به عنوان یاری دهنده و یاری گیرنده نیز قابل تشخیص است. اکنون باید گفت که گاهی یاری دهنده و یاری گیرنده از لحاظ هدف عمل تعاونی یک شخص است (البته به ترتیبی که ذکر خواهد شد) که این نوع تعاون را خود یاری گویم. گاهی نیز یاری دهنده از یاری گیرنده متمایز و متفاوت است که در این صورت اگر هدف عمل تعاونی رفع نیاز دیگری یعنی یاری گیرنده باشد اصطلاحاً دیگر یاری می گویم و چنانچه هدف تعاون رفع نیاز یاری دهنده و یاری گیرنده به طور متناوب و متقابل باشد این عمل را همیاری می نامیم. اکنون به طور اختصار به توضیح مفاهیم فوق می پردازیم:

۱- خودیاری: در این نوع تعاون و هدف یاری کننده خود است ولی برای رسیدن به این هدف از طریق یک صفت اخلاقی و در ارتباط با دیگران اقدام می کند. مثلاً صفت اخلاقی «حسن ظن» گاهی مربوط به «خودیاری» می شود چنان که حضرت علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ مِنْ، حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ» یعنی هر کس نسبت به مردم خوش گمان باشد محبت آنها را نسبت به خود جلب خواهد کرد. بنابراین می توان گفت که اگر برای خود محبوبیت اجتماعی را می طلیم لازم است از راه یک صفت اخلاقی یعنی «حسن ظن به مردم» عمل کنیم.

صاحب نظران تعاون علمی نیز مفهوم خودیاری را مشابه مورد فوق بیان داشته اند. چنان که شارل ژید بیان داشته است: «شعار تعاون هم خودیاری، و هم یکی برای همه است. من انسانی را آرزو می کنم کامل، ممیز و انفرادی تا بتواند به عنوان یک انسان خود را تابع نفع و مصلحت عمومی کند. من انسانی را آرزو می کنم که حاکم بر خود باشد تا بتواند بهتر خدمتگزار همه باشد... برای فدا شدن باید مستقل بود و به خود تعلق داشت»،<sup>۲</sup> دکتر ژرژ فوکو که با تأیید نظر

شارل ژید چنین اظهار می‌دارد که «قبل از این که سازمانهای تعاونی به جود آید مسأله روابط و مناسبات بین فرد و جامعه همواره مطرح بود. سهم بخصوص تعاون در این امر این است که تعاون اصل انفرادی را با اصل اشتراکی و دسته جمعی هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه معنوی توأماً تلفیق می‌کند».<sup>۳</sup>

از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که مفهوم خودیاری یکی مفهوم اجتماعی است؛ بدین معنی که عمل فرد در ارتباط با «دیگران» قرار دارد لیکن نتیجه آن متوجه کمال «خود» اوست. البته لازم به یادآوری است که مفهوم خودیاری در اسلام بسیار پیچیده تر و دقیقتر از این است و در اساس، تفاوت آشکاری با خودیاری از دیدگاه علمی دارد. روایاتی از قبیل *قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) «الْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ جَمَاعَةٌ»* یعنی مؤمن بنهایی جماعت است، و نیز سایر روایات آن چنان پیوندی بین فرد و جامعه برقرار می‌سازد و آن چنان منافع فرد و جامعه را بخصوص در زمینه‌های اخلاقی به هم گره می‌زند که جدا کردن مصادیق خودیاری از دیگریاری یا همیاری را واقعاً دشوار می‌سازد. به همین جهت برای سهولت بیان مطلب به سطوح ظاهری و آشکار حقیقت تعاون توجه بیشتر کرده‌ایم. بدین ترتیب در خودیاری اخلاقی، فرض ما بر آن است که شخص، منافع مادی یا معنوی خود را می‌جوید ولی از طریق عمل اجتماعی و رفتار اخلاقی با دیگران می‌تواند آن را بدست آورد ولی این که آیا عمق اخلاق اسلامی و الگوی تام اخلاقی در اسلام در همین حد باقی می‌ماند یا نه، مسأله‌ای است که نیاز به بحث گسترده تر و مجال دیگری دارد.

نکته مشترک دیگر در دو دیدگاه فوق (دیدگاه علمی و دیدگاه اسلام) درباره خودیاری این است که هر دو منشأ کمک و یاری را در خود فرد می‌دانند و شاید آگاهی به این امر نکته مهمی در شتاب حرکتها و اعمال تعاونی باشد. بنابراین خودیاری اخلاقی می‌تواند در جهت همبستگی اجتماعی و تلاشهای مشترک اقتصادی برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه اسلامی، تأثیر بگذارد.

برخی محققان در تکمیل مفهوم خودیاری و مقایسه آن با سایر مفاهیم تعاونی به ویژگیهای معینی اشاره کرده‌اند که استفاده از ابزارهای تحلیلی آنان می‌تواند کمک بیشتری به درک مطلب کند.<sup>۵</sup>

اول این که در «خودیاری» اخلاقی یاری دهنده و یاری گیرنده قابل تشخیص از یکدیگر نیستند، زیرا در واقع این دو یکی هستند ولی تفاوت آن با کار فردی شخص برای خودش آن است که از طریق ارتباط با دیگران و استفاده از وجود آنان کارایی لازم را برای پیشبرد هدف

خود به دست می آورد. چنان که در احادیث اسلامی بسیار آمده است که نیکی تو به دیگران مستلزم قبول نیکی از طرف دیگران نیز هست. علی (ع) می فرماید «مَنْ قَبِلَ عَطَاكَ فَقَدْ آعَانَكَ عَلَى الْكَرَمِ»<sup>۶</sup> یعنی کسی که عطای تو را قبول کند تو را در عمل اکرام، یاری کرده است. بنابراین اگر عطا کردن می تواند کمک به دیگران تلقی شود، قبول آن توسط دیگری نیز نوعی کمک به عطا کننده است و چنانچه هدف اکرام کننده منزلت اجتماعی یا اجر معنوی و غیره باشد رسیدن به این هدف جز به کمک دیگری امکان پذیر نیست. نکته مهم آن است که اکرام کننده که یاری دهنده نامیده می شود در عین حال یاری گیرنده نیز هست، بنابراین روایت فوق از یک نگاه خودیاری است (موفقیت در اکرام و نتایج حاصله از آن برای خود) و از نگاه دیگر، دیگریاری است (عمل اکرام و نتایج آن برای دیگری).

دوم این که جریان و حرکت عمل یاری در مفهوم خودیاری به صورت خط مستقیم است که به خود شخص برمی گردد. مثلاً برای موفق شدن در اکرام، تو به دیگری عطا می کنی و دیگری نیز با قبول عطایت تو را به مقصود می رساند (کمک دیگری به تو).

سوم این که خودیاری، هم در زمینه های مادی و هم در زمینه های معنوی مصداق دارد. این موارد، بتفصیل خواهد آمد.

۲- دیگر یاری. در این تعاون، هدف یاری دهنده نه خود او بلکه صرفاً دیگری است؛ بدین گونه که یاری دهنده در نتیجه تعاون شریک نیست. ویژگیهای دیگریاری به شرح زیر است:

اول- دیگریاری عملی است یکسویه و عمودی که از بالا به پایین بین فراتر و فروتر جریان می یابد. مثلاً علی (ع) می فرماید: «السَّخَاءُ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً»<sup>۷</sup> یعنی سخا آن است که مال خود را به دیگری بدون چشمداشت و عوض ببخشی و از مال دیگری چشم ببوشی. جریان یکسویه در سخا، این گونه است که بخشنده به عنوان یاری دهنده چیزی به سود خود از دیگری باز نمی گیرد و از طرفی یاری دهنده نسبت به یاری گیرنده فضل و برتری دارد. زیرا در روایات دیگر این نکته مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله از حضرت علی (ع) نقل شده است که «أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ»<sup>۸</sup> برترین مردم کسی است که بیشترین نفع را به مردم می رساند. اساساً هر یاری گیرنده ای نیاز و کمبودی دارد که به این لحاظ در مقام پایین تر از کسی است که نیاز و کمبودی ندارد.

دوم- در دیگریاری انتظار متقابل برای جبران کمک وجود ندارد. البته ممکن است دیگریاری پیامدهای گوناگون برای یاری دهنده داشته باشد ولی در نفس عمل یاری ذی نفع

نمی باشد و انتظار کمک متقابل از وی ندارد.

۳- همیاری. در این نوع تعاون، رابطه تکاملی و تعاونی بین دو یا چند نفر برقرار است، برخلاف انواع قبلی تعاون؛ در همیاری انتظار متقابل وجود دارد و هر دو طرف تعاون نیازمندند؛ بنابراین یکی را بر دیگری برتری نیست. زمینه های مختلف این گونه تعاون بتفصیل خواهد آمد. برای مثال: علی علیه السلام می فرماید: «أَعِنُّ تَعَنُّ»<sup>۹</sup> یاری کن دیگری را تا دیگری تو را یاری کند. یا می فرماید: «كَمَا تُعِينُ تُعَانُ»<sup>۱۰</sup> همان طور که دیگری را یاری می کنی، تو خود به وسیله دیگری یاری می شوی. البته نمونه های دیگری هم خواهد آمد که در آنها رابطه تعاونی بین چند نفر یا کل جامعه برقرار است. مثلاً علی (ع) می فرماید: «نِعْمَ الْعُونُ الْمُظَاهَرَةُ»<sup>۱۱</sup> بهترین نوع یاری پشتیبانی متقابل است. بنابراین، این روایت یک فرد را مستقیماً با فرد دیگر به عنوان یاری دهنده و یاری گیرنده مشخص نمی کند بلکه حکمی است کلی که همه افراد جامعه یا گروهی را شامل می شود. بدین ترتیب این گونه موارد هم جزو همیاری محسوب شده است.

### ب- ملاک ماهیت نیاز

ملاک دیگری که در تشخیص و تعیین اخلاق تعاونی مورد استفاده قرار گرفته است، ملاک ماهیت نیاز است. از نظر مقایسه می توان گفت، امروزه هدف شرکتهای تعاونی یا تعاونیهای علمی رفع نیازهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع است. از این لحاظ تعاونیهای علمی گسترش بسیار یافته و هریک به تناسب نیازهای ویژه در جوامع گوناگون واجد جایگاه و اهمیت خاصی است. البته در این نوع تعاونیها همواره مشکلات عینی که بر حسب زمان و مکان تفاوت می یابد، علت و اساس تشکیل آنها می باشد. لیکن در این بررسی، زمینه های کلی گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است که همواره در جوامع انسانی ایجاد مشکل می کند و این مشکلات از طریق همکاری و یاری متقابل انسانها می تواند و یا ضرورت می یابد که حل شود. علاوه بر این، چون اهداف کمالی برای انسان از دیدگاه اسلام محدود به این جهان نمی شود؛ بنابراین زمینه های معنوی و عبادی یا اخروی نیز مطرح است و شاید بتوان گفت منحصراً در فرهنگ تعاونی اسلام است که برای رفع نیازهای کمالی در این زمینه هم، از شیوه تعاونی استفاده می شود.

این نکته شاید برای بسیاری که با فرهنگ اسلام آشنایی ندارد شگفت انگیز باشد که چگونه فردی ترین اعمال انسان یعنی رابطه اش با خدا و سیر در مدارج شناخت و معرفت نیاز به

اقدام تعاونی دارد. برای مثال: علی علیه السلام فرموده است: «وَلَكِنَّ مِنْ أَوْجَبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيَّ الْعِبَادَةَ النَّصِيحَةَ بِمَبْلَغِ جَهْدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَيَّ إِقَامَةَ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ وَلَيْسَ أَمْرُؤُا وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزَلَتُهُ وَتَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ يَقُوقُ أَنْ يُعَانَ عَلَيَّ مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَلَا أَمْرُؤُا وَإِنْ صَغُرَتْهُ النَّفُوسُ وَآتَتْحَمَّتْهُ الْعُيُونُ يَدُونَ أَنْ يَبْعِيَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيَّ»<sup>۱۲</sup> از جمله واجبتین حقوق خدا بر عهدهٔ بندگان عبارت است از پنددهی (کمک فکری آنان نسبت به یکدیگر) تا سرحدّ توان آنان و نیز همیاری در زمینه پاداشتن حق در بین خودشان، هیچ کس - اگرچه مقام بسیار والایی در این زمینه به دست آورده باشد و برتری و پیشینه‌ای در امر دین داشته باشد - بی نیاز از همکاری و یاری دیگران در زمینه ایفای حقوقی که خداوند بر او قرار داده است بی نیاز نیست. و نیز کسی - اگرچه در نظر مردم کوچک و حقیر آید - نیست که در این زمینه دیگری را یاری نکند یا از دیگری یاری نگیرد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که ماهیت نیاز که از طریق تعاون بر آورده می‌شود در اسلام تنها به زمینه‌های مادی و عینی محدود نمی‌شود. بنابراین ماهیت نیاز در تعاون اخلاقی ابتدا به چهار زمینهٔ زیر طبقه بندی شده است:

الف - زمینهٔ اجتماعی

ب - زمینهٔ اقتصادی

ج - زمینهٔ فکری و روانی *مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی*

د - زمینهٔ عبادی و اخروی

زمینه‌های فوق در هریک از انواع تعاون اخلاقی یعنی خودیاری دیگریاری و همیاری مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر آن هر زمینه به زمینه‌های فرعی نیز تقسیم شده است که در صفحات آینده از نظر خواهد گذشت. بدین ترتیب دوازده نوع اصلی تعاون اخلاقی بررسی خواهد شد که هر نوع آن عناوین مختلف را که نشان دهندهٔ زمینه‌های فرعی است، دربرمی‌گیرد.

## ۱ - خودیاری

### ۱ / الف - خودیاری در زمینهٔ اجتماعی

#### ۱ - منزلت اجتماعی

بذل قال علی (ع) «الْمَالُ يُكْرِمُ صَاحِبَهُ مَا بَدَّلَهُ وَيُهِينُهُ مَا نَحَلَهُ»<sup>۱۳</sup> ثروت باعث گرامیداشت صاحب آن می‌شود تا زمانی که آن را بخشش کند، و باعث خواری او می‌شود مادام که از بخشش آن خودداری ورزد.

توضیح این که اگر کسی بخواهد از طریق صفات اخلاقی منزلت اجتماعی برای خود به دست آورد می تواند از طریق بذل و بخشش مال خود به این مقصود نایل شود. بنابراین عزت و خواری هر فرد به دست خود او ولی از طریق دیگران (جامعه) حاصل می شود. در این رابطه تعاونی، خود شخص یاری گیرنده است زیرا منزلت اجتماعی به دست می آورد. همچنین خود شخص یاری دهنده است زیرا دیگران (جامعه) مستقیماً و بدون هیچ اقدامی از طرف او منزلت و عزت برای وی قائل نمی شوند.

**افضال** قال علی (ع) «أَفْضَلُ عَلَيَّ النَّاسِ يَعْظُمُ قَدْرُكَ»<sup>۱۴</sup> به مردم احسان کن تا قدر و مرتبه تو بزرگ شود

**انصاف** قالی علی (ع) «الْإِنصَافُ عُنْوَانُ النَّبِيلِ»<sup>۱۵</sup> انصاف نشانه و دلیل نجابت است. توضیح این که انصاف باعث می شود که شخص حق دیگران با او را تشخیص وجدان رعایت کند و این امر موجب می شود تا دیگران نجابت و فضیلت او را تأیید کنند. و در نظر آنها بزرگوار محسوب شود. بدین ترتیب هر شخص می تواند با رعایت انصاف منزلت اجتماعی خود را تثبیت کند.

**قناعت** قال علی (ع) «قَدْ عَزَمَنْ قَنَعَ»<sup>۱۶</sup> هر کس قناعت کند به عزت دست می یابد.

**عفو** قال علی (ع): «الْعَفَاةُ تُؤَدِّي إِلَى الْعِزِّ»<sup>۱۷</sup> قناعت شخص را به عزت نایل می کند  
قال علی (ع) «الْعَفْوُ يُوجِبُ الْمَجْدَ»<sup>۱۸</sup> در گذشتن از حق خود نسبت به دیگران (عفو) موجب بزرگی و افتخار می شود.

قال علی (ع) «تَجَا وَزَعِنَ الزَّلِيلَ وَ أَقْلَ الْعَثْرَاتِ تُرْفَعُ لَكَ الدَّرَجَاتُ»<sup>۱۹</sup> در گذر از لغزشها و پذیر تقاضاهای گذشت دیگران را تا مرتبه های اجتماعی تو بلند شود. توضیح: در این روایت و مانند آن ممکن است یاری شخص به خود، یاری به دیگران هم باشد ولی غرض اصلی ما این است که هر شخص چگونه می تواند به خود یاری دهد. همان طور که قبلاً توضیح داده شد کمک به خود از طریق دیگران و احیاناً از طریق کمک به دیگران امکان پذیر می شود.

**عدل** قال علی (ع): «الْعَدْلُ قَوْزٌ وَ كَرَامَةٌ»<sup>۲۰</sup> داد گر بودن موجب رستگاری (آخری) و بزرگواری (دنیوی) است؟

توضیح: عدالت به دو معنی آمده است: یکی در مقابل فسق و دیگری در مقابل ظلم؛ در معنی اول برخی معتقدند عدالت آن است که شخص کاری نکند که

باعث خفت و ذلت او در نظرها باشد و سبب استهزاء مردم شود. در معنی دوم عدالت آن است که شخص دادرسی یا فریادرسی کند و حق مظلوم را از ظالم بگیرد و این امور نیز موجب گرامی شدن شخص در نظر دیگران می شود. قال علی علیه السلام: «مَنْ عَدَلَ عَظُمَ قَدْرُهُ»<sup>۲۱</sup> کسی که دادگری کند حیثیت اجتماعی او افزایش یابد.

احسان  
قالی علی (ع): «كَثْرَةُ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ تَنْشُرُ الذِّكْرَ»<sup>۲۲</sup> فزوننی احسان و نیکی به دیگران سبب افزایش عمر و شهرت نام می شود.

صمت  
قال علی (ع): «كَثْرَةُ الصَّنَائِعِ تَرْفَعُ الشَّرْفَ وَ تَسْتَدِيمُ الشُّكْرَ»<sup>۲۳</sup> فزوننی احسان باعث بالا رفتن حیثیت اجتماعی و ادامه سپاسگزاری مردم (از شخص) می شود. قالی علی (ع): «بِالْصَّمْتِ يَكْتُمُ الْوَقَارُ»<sup>۲۴</sup> سکوت (پرهیز از زیاده گویی) سبب افزایش وقار و احترام می شود.

قال علی (ع): «الْصَّدَقُ كِمَالِ النَّبْلِ» راستگویی باعث کامل شدن نجابت اجتماعی است

صدق  
قال علی (ع): «الْصَّدَقُ نَجَاةٌ وَ كَرَامَةٌ»<sup>۲۵</sup> راستگویی موجب رهایی و احترام میشود. صبر  
قال علی (ع): «مَنْ تَجَلَّبَبَ الصَّبْرَ وَالْقَنَاعَةَ عَزَّ وَ بَنَلَّ»<sup>۲۷</sup> هر که خود را به شکیبایی و قناعت آراسته کند عزیز و بلندمرتبه شود.

مصاحبت  
قال علی (ع): «مَنْ صَاحَبَ الْعُقَلَاءَ وَقِرَّ»<sup>۲۸</sup> هر کس با خردمندان همنشینی کند مورد احترام قرار می گیرد.

تحمل  
قال علی (ع): «لَا يَسُودُ مَنْ لَا يَحْتَمِلُ إِخْوَانَهُ»<sup>۲۹</sup> سروری و بزرگواری نمی یابد کسی که هزینه زندگی برادرانش (هموعان) را تحمل نکند.

بنابراین، مفهوم مخالف روایت آن است که هر کس به هموعان خود در جهت کم کردن بار زندگی آنان کمک کند سروری و احترام کسب خواهد کرد.

قال علی (ع): «الْإِحْتِمَالُ يُجِلُّ الْقَدْرَ»<sup>۳۰</sup> تحمل کردن دیگران سبب بزرگی قدر و منزلت اجتماعی می شود.

بر  
قال علی (ع): «مَنْ بَدَّلَ يَرَهُ أَنْ تَنْشُرَ ذِكْرَهُ»<sup>۳۱</sup> هر کس نیکی خود را به دیگران برساند نام او (به خوبی) منتشر شود.

وفاء  
قال علی (ع): «الْوَفَاءُ نُبْلٌ»<sup>۳۲</sup> وفاداری به دیگران موجب بزرگواری و منزلت

می شود.

## ۲- قدرت اجتماعی

عفو قال علی (ع): «الْعَفْوُ أَحْسَنُ الْإِنْتِصَارِ»<sup>۳۳</sup> عفو (گذشت) بهترین نوع غلبه و پیروزی است.

لازم به یاد آوری است که قدرت اجتماعی عبارت است از وضعیتی که یک فرد در جامعه از طریق به دست آوردن برخی امکانات مادی و معنوی برای خود به وجود می آورد که مورد قبول و تأیید دیگران قرار دارد، و با استفاده از آن می تواند به اهداف خود در جامعه دست یابد. بنابراین حیثیت اجتماعی، طرفداران زیاد، نفوذ اجتماعی و امثال اینها عناصری هستند که موجب قدرت اجتماعی می شوند. عفو به عنوان یک صفت اخلاقی چنین اثر و خاصیتی برای فرد در جامعه خواهد داشت.

صبر قال علی (ع): «الصَّبْرُ عَوْنٌ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ»<sup>۳۴</sup> شکیبایی یاورانسان است در هر امری. قال علی (ع): «الصَّبْرُ خَيْرٌ جُنُودِ الْمُؤْمِنِ»<sup>۳۵</sup> شکیبایی بهترین یاوران مؤمن است. قال علی (ع): «الصَّبْرُ كَفِيلٌ بِالظَّفَرِ»<sup>۳۶</sup> صبر، ضامن پیروزی است. قال علی (ع): «مَنْ يَصْبِرْ يَظْفَرُ»<sup>۳۷</sup> هر کس شکیبیا باشد پیروز خواهد شد. مصاحبت قال علی (ع): «بِحُسْنِ الصُّحْبَةِ تَكْتَفِرُ الرِّفَاقُ»<sup>۳۸</sup> تعداد دوستان (رفیقان) از طریق حسن همنشینی افزایش می یابد.

سخاوت قال علی (ع): «كَثْرَةُ السَّخَاءِ تَكْثِرُ الْأَوْلِيَاءَ وَتَسْتَصْلِحُ الْأَعْدَاءَ»<sup>۳۹</sup> افزونی سخاوت موجب ازدیاد دوستان و به سازش کشاندن دشمنان می شود.

بیلتم قال علی (ع): «مَنْ سَأَلَهُ النَّاسَ كَثُرَ أَصْدِقَائِهِ وَقَلَّ أَعْدَائُهُ»<sup>۴۰</sup> هر کس با مردم به مسالمت رفتار کند؛ دوستانش زیاد و دشمنانش کم خواهند شد.

اکرام قال علی (ع): «أَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَضْلُكُ الَّذِي إِلَيْهِ تُصِيرُ وَيَدُكَ الَّذِي بِمَا تَصُولُ»<sup>۴۱</sup> خویشانت را گرامی بدار زیرا آنان به منزله بال تو هستند که بدان وسیله پرواز می کنی و به منزله ریشه تو هستند که بدان وابسته می شوی و به منزله دست تو هستند که بدان وسیله حمله می کنی.

احسان قال علی (ع): «الْإِحْسَانُ يَسْتَعِيدُ الْإِنْسَانَ»<sup>۴۲</sup> نیکی به دیگران آنان را به بندگی و خدمت تو درمی آورد.

قال علی (ع): «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ كَثُرَ خَدَمُهُ وَاعْوَانُهُ»<sup>۴۳</sup> هر کس نیکی اش به دیگران فزونی یابد خدمتکاران و یاوران او ازدیاد یابند.

قال علی (ع): «مَعَ الْإِحْسَانِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ»<sup>۴۴</sup> بلندی مرتبه با احسان (نیکی به دیگران) همراه است.

حسن توفیق قال علی (ع): «حُسْنُ التَّوْفِيقِ خَيْرٌ مَعِينٍ»<sup>۴۵</sup> توفیق یافتن بهترین یاور انسان است.

لازم به توضیح است که حسن توفیق، یعنی موفق شدن به انجام امر خیر، حالتی است که انسان برای به دست آوردن آن باید همواره خود را مقید و ملتزم کند. در بعضی ادعیه، ائمه اطهار (ع) از خداوند طلب توفیق کرده اند. بنابراین، اکتساب چنین حالتی نوعی ویژگی اخلاقی است که آثار اجتماعی برای خود فرد دارد. یکی از آن موارد این است که این حالت وی را در انجام کارهای نیک کمک می کند و در نتیجه کمال اجتماعی به دست خواهد آورد.

قال علی (ع): «لِلْمَعُونَةِ كَالْتَّوْفِيقِ»<sup>۴۶</sup> هیچ کمکی مانند توفیق (یک صفت اخلاقی) برای انسان نیست.

قال علی (ع): «بِكَثْرَةِ الْإِحْتِمَالِ يَكْتُمُ الْفَضْلُ»<sup>۴۷</sup> با تحمل دیگران، انسان بر دیگران برتری می یابد.

### ۳- محبوبیت اجتماعی

حسن ظن قال علی (ع): «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ»<sup>۴۸</sup> هر کس نسبت به مردم خوش گمان باشد، محبت آنان را نسبت به خود جلب خواهد کرد.

حسن معاشرت قال علی (ع): «حُسْنُ الْعِشْرَةِ تَدْوُمُ الْمَوَدَّةِ»<sup>۴۹</sup> نیکی معاشرت با دیگران موجب ادامه دوستی با آنان می شود.

قال علی (ع): «بِحُسْنِ الْعِشْرَةِ تَأْنَسُ الرَّفَاقُ»<sup>۵۰</sup> رفیقان به وسیله نیکی همنشینی، با یکدیگر مانوس می شوند.

رفق قال علی (ع): «بِالرَّفْقِ تَدْوُمُ الصُّحْبَةِ»<sup>۵۱</sup> همدلی به وسیله مدارا تداوم می یابد.

سخاء قال علی (ع): «السَّخَاءُ يَزْرَعُ الْمَحَبَّةَ»<sup>۵۲</sup> سخاوت تولید محبت می کند.

حسن خلق قال علی (ع): «حُسْنُ الْخُلُقِ يُوْرِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُوَكِّدُ الْمَوَدَّةَ»<sup>۵۳</sup> نیکخویی تولید محبت می کند و دوستی را محکم می سازد.

صله رحم	قال علی (ع): «صِلَّةُ الرَّحِمِ تُوَجِّبُ الْمَحَبَّةَ وَتَكْتُمُ الْعَدُوَّ» <sup>۵۴</sup> رابطه با خویشان موجب محبت می شود و دشمن را خوار می سازد.
احسان	قال علی (ع): «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ» <sup>۵۵</sup> نیکی به دیگران سبب ایجاد محبت است.
الفت	قال علی (ع): «مَنْ تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحَبَّهُ» <sup>۵۶</sup> هر کس با مردم دمساز شود آنان او را دوست خواهند داشت.
هدیه	قال علی (ع): «الْهَدِيَّةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ» <sup>۵۷</sup> هدیه دادن محبت دیگران را جلب می کند.

#### ۴- ارتقای اجتماعی

حسن خلق	قال علی (ع): «كَمْ مِنْ وَضِيعٍ دَفَعَهُ حُسْنُ خُلُقِهِ» <sup>۵۸</sup> چه بسا افراد دون مرتبه ای که نیکجویی آنان باعث ارتقای اجتماعی آنان شده است.
احسان	قال علی علیه السلام: «مَعَ الْإِحْسَانِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ» <sup>۵۹</sup> ارتقای اجتماعی با نیکی به دیگران همراه است.
عفو	قال علی (ع): «تَجَاوَزَ عَنِ الزَّلِيلِ وَأَقْبَلَ الْعَثْرَاتِ تُرْفَعُ لَكَ الدَّرَجَاتُ» <sup>۶۰</sup> از لغزشهای دیگران در گذر و تقاضای عفو آنان را بپذیر تا درجات (اجتماعی و اخروی) تو بالا رود.

#### ۵- آبروی اجتماعی

مسالمت	قال علی (ع): «مَنْ سَأَلَمَ النَّاسَ سَتَرَتْ عَلَيْهِ عَيْبُهُ» <sup>۶۱</sup> هر کس با مردم به مسالمت (صلح جویی) رفتار کند عیوب و لغزشهای او پوشیده بماند.
--------	---

توضیح: فرض آن است که همه انسانها جایز النخاینده و منظور از خطا گناه کبیره یا جرمهای واقعی نیست بلکه هر کس در روابط اجتماعی و زندگی فردی و خانوادگی خویش ویژگی هایی را داراست که مطلوب همه نیست و آشکار شدن آنها از حیثیت و آبروی اجتماعی او می گاهد. بنابراین اگر کسی با دیگران مرأوده و ارتباط داشته باشد و با سازش و صلح با آنها رفتار کند این گونه نکات را آشکار نمی نمایند. حتی در جایی که گناه یا لغزشی از او سرزند حفظ آبروی وی را می کنند و آن را منتشر نمی سازند. اگرچه در

اخلاق اسلامی و در روابط فرد با دیگران آمده است که مسلمان گناه کسی را افشا و برملا نکند ولی در عمل، کسی که مسالمت در رفتار ندارد اخلاقاً نمی تواند انتظار داشته باشد که دیگران در مورد او چنین رفتار کنند. پس به حقیقت می توان گفت حفظ آبروی هر کس در گرو چگونگی رفتار او (سازش یا ناسازگاری) با دیگران است و از این طریق هر فرد می تواند به خود کمک کند.

## ۶- اصالت اجتماعی

حسن خلق قال علی (ع): «نِعْمَ الْحَسَبُ حُسْنُ الْخُلُقِ»<sup>۶۲</sup> نیکخویی بهترین نوع اصالت اجتماعی است.

بدین ترتیب هر کس می تواند از طریق اخلاق نیک برای خود اصالت و نجابت اجتماعی به وجود آورد. لازم به توضیح است که اصالت اجتماعی در جوامع مختلف مایه های و بنیانهای مختلف و گوناگون دارد. مثلاً در برخی جوامع روابط خویشاوندی و قبیله ای و در برخی دیگر تحصیلات، مالکیت، اموال و غیره برای یک خانواده و یا یک فرد اصالت و نجابت اجتماعی به وجود می آورد. در چنین شرایطی هر کس فاقد امتیازهای یاد شده باشد بسختی می تواند آنها را به دست آورده و در نتیجه صاحب اصالت و نجابت اجتماعی گردد. لیکن در فرهنگ اسلامی پایه اصالت اجتماعی بر اخلاق نیک گذاشته شده است و بدین ترتیب هر کس در موقعیت اجتماعی اقتصادی خواهد توانست اصالت اجتماعی را از طریق اخلاق نیک به دست آورد و این امر یکی از بهترین شیوه های خودیاری اجتماعی در فرهنگ اسلامی است.

## ۷- امنیت اجتماعی

مدارا قال علی (ع): «دَارِ النَّاسَ تَسْتَمْتِعْ بِأَخَانِهِمْ وَآلِقِهِمْ بِالْبِشْرِ تَمِثْ أَضْغَانَهُمْ»<sup>۶۳</sup> با مردم مدارا کن تا از پشتوانه برادری آنان بهره مند شوی و با خوشرویی با آنها برخورد کن تا کینه های آنان را نسبت به خودت بمیرانی.

امنیت اجتماعی مفهومی است کلی که شامل وضعیت سلامت، آسایش، یا رفاه فرد در جامعه می شود؛ به عبارت دیگر امنیت اجتماعی محفوظ ماندن از

آسیب از سوی دیگران است. این امر را امروزه سازمانهایی مانند پلیس، زندان و دستگاه قضایی برای جامعه فراهم می سازند. لیکن این هدف می تواند توسط هر فرد در جامعه و از طریق اخلاق و روابط اجتماعی حاصل شود. به عبارت دیگر هر فرد امنیت اجتماعی مورد نیاز خود را از راه مدارای با مردم می تواند فراهم سازد.

صفت قال علی (ع): «الزَّمِ الصَّمْتَ فَادْنِي نَفْعِي السَّلَامَةُ»<sup>۶۴</sup> سکوت را رعایت کن زیرا کمترین فایده آن برای تو سلامت است.

در ادبیات فارسی ضرب المثلهای گوناگونی وجود دارد که نشان دهنده این واقعیت است که هر فرد چگونه با حفظ و نگهداری زبان خود می تواند امنیت اجتماعی برای خود فراهم سازد. مانند موارد زیر: «زبان آید زبان آید»- «زبان در دهان پاسبان سر است» (سعدی)- «زبان سر را عدوی خانه زاد است» (وحشی)- سر سبز از زبان سرخ بر باد داد آن که از اهل سخن چون طوطی از تقلید سر برزد.<sup>۶۵</sup>

مصاحبت قال علی (ع): «إِصْحَبْ أَخَا التَّقَى وَالَّذِينَ تَسْلَمُ»<sup>۶۶</sup> با برادری که پرهیزگار و دیندار است همراه شو تا سلامت بمانی.

بدین ترتیب برادر با تقوا موجب مصونیت شخص از کجیها و پلیدیها خواهد شد و او را از بسیاری زیانهای اجتماعی و اقتصادی و غیره در امان خواهد داشت.

رفق قال علی (ع): «الرِّفْقُ يُؤَدِّي إِلَى السَّلَامِ»<sup>۶۷</sup> مدارا با مردم منجر به امنیت و سلامت انسان می شود.

سِلْم قال علی (ع): «سَالِمِ النَّاسِ تَسْلَمُ دُنْيَاكَ»<sup>۶۸</sup> با مردم سازش کن تا زندگی دنیوی تو ایمن شود.

## ۸- آزادی اجتماعی

مفهوم آزادی اجتماعی در این جا به معنی محدودتری از معنی رایج آن به کار رفته است و فقط شامل جنبه اخلاقی و روانی آن می شود. در حالی که مفهوم وسیع آن شامل جنبه های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و غیره نیز می شود اما دلیل این که قید اجتماعی افزوده شده آن است که این نوع آزادی اگرچه ماهیت درونی و روانی دارد ولی معطوف به وجود و حضور دیگران

است و به عبارت دیگر معطوف به روابط اجتماعی شخص است. مثلاً احساس آزادی از نرفتن زیر بار منت و خواری دیگران، احساس آزادی از نگفتن تملق و غیره.

یأس قال علی (ع): «الْيَأْسُ عِتْقٌ»<sup>۶۹</sup> نومییدی از دیگران (قطع امید یا چشم ندوختن به دیگران) رهایی است.

قال علی (ع): «الْيَأْسُ حُرٌّ»<sup>۷۰</sup> نومییدی از دیگران، آزادی است.

قال علی (ع): «الْيَأْسُ عِتْقٌ مُدِيحٌ»<sup>۷۱</sup> نومییدی از دیگران، نوعی رهایی آسودگی بخش است.

بدیهی است چشم داشتن به دیگران مستلزم رنج و تعب و انتظار است که قطع از دیگران باعث رهایی از این عوارض می شود.

## ۱ / ب - خودیاری در زمینه اقتصادی

### ۱ - بهبود زندگی

قصد قال علی (ع): «عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فَإِنَّهُ أَعْوَنُ شَيْئِي عَلَى حُسْنِ الْعَيْشِ»<sup>۷۲</sup> میانه ور باش زیرا میانه روی بهترین یاور تو برای بهبود زندگی است.

قال علی (ع): «الْإِقْتِسَادُ نِصْفُ الْمُؤْنَةِ»<sup>۷۳</sup> میانه روی نیمی از هزینه زندگی را تأمین می کند.

قال علی (ع): «مَنْ اقْتَصَدَ خَفَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤْنُ»<sup>۷۴</sup> هر کس میانه روی کند هزینه های زندگی اش کاهش می یابد.

عفت و قناعت قال علی علیه السلام: «عَلَيْكَ بِالْعِفَافِ وَالْقُنُوعِ فَمَنْ أَخَذَ بِهِ خَفَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤْنُ»<sup>۷۵</sup> عفت و قناعت داشته باش زیرا هر کس آن را داشته باشد هزینه زندگی اش کاهش می یابد.

### ۲ - خود کفایی (بی نیازی)

قناعت قال علی (ع): «الْقَنَاعَةُ عَوْنُ الْفَاقَةِ»<sup>۷۶</sup> قناعت یاور نیازمندی است.

به عبارت دیگر هر کس نیازمندی خود را می تواند از طریق قناعت برطرف سازد.

قال علی (ع): «الْقَنَاعَةُ تُغْنِي»<sup>۷۷</sup> قناعت، شخص را بی نیاز می کند.

قال علی (ع): «الْقَنَاعَةُ أَفْضَلُ الْغِنَائَيْنِ»<sup>۷۸</sup> قناعت بهترین روش از دوروش بی نیازی است.

بی نیازی گاه از طریق کسب مال و امکانات حاصل می شود و گاهی از طریق قناعت به دست می آید. در روایت فوق چنین آمده است که آن بی نیازی که از طریق قناعت و کم خواهی حاصل می شود بهتر از روش اول است زیرا بدیهی است که به دست آوردن مال برای رفع نیاز مستلزم رنج و تعب است در حالی که قناعت سهل الوصول تر از آن است. همچنین آن بی نیازی که از طریق قناعت حاصل می شود رضایت بیشتری برای انسان حاصل می کند تا بی نیازی از طریق کسب مال.

عفت قال علی (ع): «لَا فَاقَةَ مَعَ الْعِافِ»<sup>۷۹</sup> با داشتن عفت هیچ گونه نیازمندی برای انسان باقی نمی ماند.

رضا قال علی (ع): «الزِّمَّ الرِّضَا يَلْزِمُكَ الْغِنَا وَالْكَرَامَةُ»<sup>۸۰</sup> رضایت را همواره با خود داشته باش تا بی نیازی و احترام با تو همراه شود.

رضایت آن است که انسان از حرص و طمع به داشتن اموال و اشیای بیشتر خودداری کند و به دارایی و امکانات موجود راضی و خوشنود باشد. در این صورت احساس بی نیازی خواهد کرد و چون طمع به دیگران ندارد و انحصارطلبی نکند؛ در نظر دیگران نیز عزیز و محترم خواهد بود.

اخوت قال علی (ع): «خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ وَاَسَاكَ بِخَيْرِهِ وَخَيْرُهُ مِنْ اَعْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ»<sup>۸۱</sup> بهترین برادران تو کسی است که با تو در نیکی همیاری کند. و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران (غیر خودش) بی نیاز کند.

مفهوم اخوت آن است که مسلمان با همکیش خود پیوسته و همراه شود تا در برابر مشکلات مادی و زندگی از کمک و یاری او برخوردار گردد و این وظیفه برادری در دین اسلام است و ارزش برادر همکیش برای مسلمان به اندازه کمک و همیاری است که به او می کند. بدین ترتیب اخوت و خوی برادری دینی در اسلام می تواند به حل مشکلات اقتصادی مسلمان کمک کند. روایت فوق نشان می دهد که نه تنها نیکی به برادر همکیش جزئی از ارزشها و وظایف برادری است بلکه همچنین گویای آن است که با وجود داشتن برادر دینی، نباید مسلمان نیاز به کمک دیگری پیدا کند. به عبارت دیگر برادر دینی باید آخرین نیازهای همکیش خود را برآورده سازد. بدین گونه هر مسلمانی می تواند از این امکانات اقتصادی برادری در اسلام

بهره مند شود.

قال علی (ع): «خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ وَاَسَاكَ وَخَيْرُ مِنْهُ مَنْ كَفَاكَ»<sup>۸۲</sup> بهترین برادرانت کسی است که با تو همیاری کند و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران بی نیاز کند.

قال علی (ع): «بِالْيَاسِ يَكُونُ الْغِنَاءُ»<sup>۸۳</sup> بی نیازی با یأس از دیگران (قطع امید) به وجود می آید.

### ۳- افزایش رزق (بهره وری)

قال علی (ع): «مَنْ اسْتَعْمَلَ الرَّفْقَ اسْتَدْرَ الرَّزْقَ»<sup>۸۴</sup> هر کس مدارا و ملایمت را با مردم به کار بندد روزی خود را افزایش داده است.

لازم به ذکر است که رزق به معانی مختلف آمده است که گاهی جنبه اخروی و گاهی جنبه دنیوی آن منظور نظر بوده است؛ از جمله معانی دنیوی آن عبارت است از معنی بهره و نصیب، عطای جاری، غذا و خوردنی، مال، مقام و علم.<sup>۸۵</sup> بنابراین یکی از معانی رزق معنای اقتصادی آن است.

قال علی (ع): «أَخٌ تَسْتَفِيدُهُ خَيْرٌ مِنْ أَخٍ تَسْتَزِيدُهُ»<sup>۸۶</sup> برادری که از او استفاده (معنوی) بری بهتر است از برادری که از او زیادت (مادی) بخواهی.

مفهوم روایت فوق ممکن است این باشد که بهتر این است انسان با کسی رفیق و دوست شود که کسب فایده ای از او کند و به وسیله او ترقی و کمال یابد تا این که صرفاً خود به برادر خود نفعی رساند اگرچه این امر هم خوب است.

قال علی (ع): «عَلَيْكَ بِالْعَقْلِ فَلَا مَالَ أَعُوذَ مِنْهُ»<sup>۸۷</sup> به مقتضای عقل عمل کن زیرا هیچ گونه مالی سودمندتر از آن برای تو نیست.

روی آوردن به عقل، به مفهوم تفکر و اندیشه و استفاده از تجربه نیز هست. بنابراین به کمک خرد و اندیشه انسان می تواند منافع خود را تأمین کند.

قال علی (ع): «عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ زِرَاعَةٍ وَأَرْبَحُ بِيضَاعَةٍ»<sup>۸۸</sup> به دیگران احسان (نیکی) کن زیرا که آن پربارترین زراعت و سودمندترین سرمایه است.

### ۴- امکانات و تدارکات

قال علی (ع): «الصَّبْرُ عُدَّةُ الْفَقْرِ»<sup>۸۹</sup> شکیبایی امکانات و تدارکات لازم برای فقر صبر

است.

عُدَّة در لغت به معنی مال و وسایل یا ابزار آلات است. چنان که در المنجد آمده است: «الْعُدَّةُ مَا أَعَدَّدْتَهُ لِحَوَادِثِ الدَّهْرِ مِنْ مَالٍ وَ سَلَاحٍ» یعنی عُدَّة چیزی از مال و تجهیزات است که برای حوادث و اتفاقات زندگی تدارک می بینی و نیز آمده است: «عُدَّةُ الْبِنَاءِ التَّجَارِ وَ غَيْرِهِمَا: الْأَتُّهُمُ» یعنی منظور از عُدَّة بنا و تجار و غیر آنها ابزار و آلات حرفه ای آنها است.

صدق قال علی (ع): «الْصِّدْقُ أَفْضَلُ عُدَّةٍ»<sup>۹۱</sup> راستگویی بهترین نوع امکانات و تدارکات است.

توکل قال علی (ع): «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ اللَّهُ ذَلَّتْ لَهُ الصِّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ»<sup>۹۱</sup> هر کس به خدا اعتماد کند سختیها برایش آسان و وسایل لازم برایش فراهم شود.

## ۵- رسیدن به هدف

صبر قال علی (ع): «مَنْ صَبَرَ نَالَ الْمُنَى»<sup>۹۲</sup> هر کس شکیبا باشد به هدفهای خود خواهد رسید.

مُنَى جمع مُنْيَةٍ مرادف بُغْيَةٍ است یعنی چیزی که مورد خواست و رغبت قرار می گیرد.

## ۱/ ج- خودیاری در زمینه روانی و فکری

### ۱- امنیت روانی

نصیحت قال علی (ع): «مَنْ أَقْبَلَ النَّصِيحَةَ آمَنَ مِنَ الْفَضِيحَةِ»<sup>۹۳</sup> هر کس پند دیگران را بپذیرد از رسوایی ایمن خواهد بود.

بدیهی است رسوایی موجب آزردهی روانی انسان می شود و رسوایی ممکن است در اثر لغزشها و خطاهای او به وجود آید؛ بنابراین چنانچه به راهنمایی دیگران در مورد اعمال و کارها توجه کند از خطا، و در نتیجه از رسوایی مصون و محفوظ خواهد ماند.

سخاه قال علی (ع): «السَّخَاءُ سِتْرٌ الْعُيُوبِ»<sup>۹۴</sup> بخشش پوشش عیب های انسان است. آشکار شدن عیبهای انسان موجب رسوایی و آزردهی روانی می شود.

بنابراین پوشیده ماندن آنها موجب امنیت روانی وی خواهد شد.

بیلیم قال علی (ع): «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ سِتْرَتَ عُيُوبِهِ»<sup>۹۵</sup> هر کس با مردم آشتی کند

عیوبش پوشیده ماند.

بدین ترتیب آن کس که با مردم دشمنی می کند آنان نیز در جستجوی عیبهای وی خواهند بود و سرانجام او را رسوا خواهند کرد و برعکس آشتی با مردم آنان را از پی جویی خطاهایش باز خواهد داشت.

اخوت

قال علی (ع): «إِنَّ أَخَاكَ حَقًّا مَنْ عَفَّرَ زَلَّتْكَ وَسَدَّ خَلَّتْكَ وَقَبِلَ عُدْرَكَ وَسَتَرَ عَوْرَتَكَ وَنَفَى وَجَلَكَ وَحَقَّقَ أَمْلَكَ»<sup>۹۶</sup> همانا برادر تو بحق کسی است که لغزش تو را ببخشد، جلوی نیاز و احتیاج تو را بگیرد، عذر تو را بپذیرد، چیزی را که می خواهی پنهان بماند آشکار نکند، ترس تو را از بین ببرد، و آرزوی تو را محقق سازد.

روایت فوق نشان دهنده این مطلب است که اخوت به عنوان خوی اجتماعی اثرهای روانی، اقتصادی، و اجتماعی برای انسان دارد و هر کس می تواند با داشتن این صفت اخلاقی کمکهایی در زمینه های فوق به خود بکند.

## ۲- آرامش روانی

انصاف

قال علی (ع): «الْإِنصَافُ رَاحَةٌ»<sup>۹۷</sup> انصاف باعث آرامش انسان است. انصاف یعنی رعایت حقوق دیگران با تشخیص وجدان؛ یا به تعبیر دیگر انصاف عبارت است از رعایت قانون، (حق) در جایی که قانون روشنی وجود ندارد. انصاف در واقع صفتی اخلاقی است که موجب می شود انسان در روابط اجتماعی خود با دیگران مراقب حقوق آنان باشد و جایی که قانون و عدالت نمی تواند ضمانت اجرایی داشته باشد، انصاف کاربرد دارد؛ بنابراین تأثیری که از لحاظ روانی بر شخص منصف دارد عبارت است از آرامش یا بهبود روانی و نیز تکامل روحی.

قناعت

قال علی (ع): «أَعُوذُ شَيْئِي عَلَى صَلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ»<sup>۹۸</sup> بهترین یاور برای بهبود روانی انسان قناعت است.

سخاء

قال علی (ع): «إِنَّ سَخَاءَ النَّفْسِ عَمَافِي آيِدِي النَّاسِ لِأَفْضَلُ مِنْ سَخَاءِ الْبَدَلِ»<sup>۹۹</sup> سخاوت روانی یا عدم چشمداشت به آنچه در دست مردم است، برتر است از سخاوت مالی یا بخشش به دیگران.

تأثیر روانی سخاوت برای انسان آن است که باعث ارتقای روحی و روانی

انسان می شود، زیرا بخشش مال به دیگران به معنی درک بهتر آنان و احترام به شخصیت آنان است و این خود تعالی روحی برای شخص بخشنده محسوب شود. لیکن سخاوت روانی حتی تأثیر بیشتری از سخاوت مالی دارد و آن بدین ترتیب است که انسان از چشمداشت یا طمع به مال دیگران خودداری ورزد. نتیجه آن که سخاوت موجب تعالی و بهبود روانی شخص می شود.

صله رحم قال علی (ع): «صِلَةُ الرَّحِمِ تُدِيرُ النِّعَمَ وَتَدْفَعُ النِّقَمَ»<sup>۱۰۰</sup> ارتباط با خویشان موجب فراوانی نعمتها و جلوگیری از تنفر و اکراه آنان می شود. نقمه در لغت عبارت است از اکراه، طعنه و عقوبت. بدین ترتیب ارتباط با خویشان تمایلات آنان را نسبت به انسان بهبود می بخشد.

### ۳- کمک فکری

استشارة قال علی (ع): «مَنْ اسْتَعَانَ بِذَوِي الْأَبْيَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ»<sup>۱۰۱</sup> هر کس از صاحبان اندیشه و خود مدد جوید راه درست را طی خواهد کرد. قال علی (ع): «مَنْ اسْتَشَارَ ذَوِي النُّهْيِ وَالْأَبْيَابِ فَازَ بِالْحَزْمِ وَالسَّادِ»<sup>۱۰۲</sup> هر کس با صاحبان عقل و تشخیص مشورت کند به دوراندیشی و محکم کاری دست خواهد یافت.

قال علی (ع): «الشِّرْكََةُ فِي الرَّأْيِ يُؤَدِّي إِلَى الصَّوَابِ»<sup>۱۰۳</sup> شرکت دیگران در رأی و نظر انسان، او را به مقصود خواهد رساند.

بدین ترتیب روشن می شود که مشورت با دیگران و دخالت دادن آنان در تصمیم گیری باعث تکامل فکری انسان می شود و این امر به نوبه خود موجب رسیدن به مقصود و انتخاب براه درست می گردد. لازم به یاد آوری است که در روایات فوق، مطلق مشارکت فکری مطرح شده است؛ بنابراین در تمام زمینه های فکری مشاوره تأثیر تعاونی قاطع برای انسان دارد.

### ۴- تسکین روانی

قال علی (ع): «الصَّبْرُ يَمْحِصُ الرِّيَّةَ»<sup>۱۰۴</sup> شکیبایی باعث کاهش مصیبت می شود. قال علی (ع): «الصَّبْرُ يَهْوِنُ الْفَجِيعَةَ»<sup>۱۰۵</sup> شکیبایی مصیبت را سبک می کند.

قال علی (ع): «نِعْمَ الْمَعُونَةُ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ»<sup>۱۰۶</sup> بهترین یاری برای انسان شکیا بودن او هنگام مصیبت و ناراحتی است.

قال علی (ع): «مَنْ صَبَرَ حَقَّتْ مِحْنَتُهُ»<sup>۱۰۷</sup> هر کس شکیا باشد اندوه او تسکین یابد.  
قال علی (ع): «لَا عَوْنَ أَفْضَلَ مِنَ الصَّبْرِ»<sup>۱۰۸</sup> هیچ یاری برای انسان برتر از شکیایی نیست.

قال علی (ع): «عَلَيْكَ يَا إِخْوَانَ الصَّفَا فَإِنَّهُمْ فِي الرَّخَاءِ وَعَوْنٌ فِي الْبَلَاءِ»<sup>۱۰۹</sup> بر تو باد به داشتن برادران صفا (خالص) زیرا آنان هنگام راحتی تو زیور زندگی تو و هنگام گرفتاری و ناراحتی یاور تو می باشند.

قال علی (ع): «الْعَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَيْبٌ»<sup>۱۱۰</sup> کسی که دوست ندارد غریب است. بدیهی است در غربت نگرانی و اضطراب بر انسان حاکم است و بدین ترتیب نداشتن دوست نیز نگرانی و اضطراب برای انسان به وجود می آورد که می تواند این حالت نامطلوب روانی را به کمک صفت اخلاقی اخوت و ارتباط با هموعان برطرف سازد.

## ۵ / ۱ - خودیاری در زمینه عبادی

### ۱ - هدایت و تقوا

قال علی (ع): «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هُدًى وَ أَكْسَبَكَ تَقًى وَ صَدَّكَ عَنِ اتِّبَاعِ هَوًى»<sup>۱۱۱</sup> بهترین برادرانت کسی است که تو را به هدایت دلالت و راهنمایی کند و تقوا را نصیب تو سازد و تو را از پیروی هوسها بازدارد.

قال علی (ع): «إِخْوَكُ فِي اللَّهِ مَنْ هَدَاكَ إِلَى رِشَادٍ وَ نَهَاكَ عَنِ فِسَادٍ وَ أَعَانَكَ إِلَى إِصْلَاحِ مَعَادٍ»<sup>۱۱۲</sup> برادر تو در راه خدا کسی است که تو را به راه راست هدایت کند و از فساد، تو را بازدارد و در امر معاد و آخرت، تو را یاری دهد.

قال علی (ع): «أَشْفَقُ النَّاسَ عَلَيْكَ أَعْوَنُهُمْ لَكَ عَلَى صِلَاحِ نَفْسِكَ وَ أَنْصَحَهُمْ لَكَ فِي دِينِكَ»<sup>۱۱۳</sup> مهربانترین مردم به تو کسی است که بیشترین یاری را در بهبود روانی و بیشترین بند را در زمینه دینی به تو می دهد.

قال علی (ع): «إِنَّمَا سُمِّيَ الرَّفِيقُ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يَرْفَقُكَ عَلَى صِلَاحِ دِينِكَ فَمَنْ أَعَانَكَ عَلَى صِلَاحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ» همانا رفیق را به این نام نامیده اند زیرا که او در بهبود دینی با تو همراهی می کند، پس هر کس در این زمینه تو را یاری کند رفیق توست.

اخوت

اخوت

شفقت

رفیق

صدق      قال علی (ع): «مَنْ صَدَقَ أَصْلَحَ دِيَانَتَهُ»<sup>۱۱۲</sup> هر کس راستگو باشد دینداری خود را بهبود بخشیده است.

## ۲- جلب رحمت خداوند

احسان      قال علی (ع): «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى رَعِيَّتِهِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ جِنَاحَ رَحْمَتِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي مَغْفِرَتِهِ»<sup>۱۱۳</sup> هر کس نسبت به زیردست خود نیکی کند خداوند بال رحمت خود را بر او بگستراند و او را مورد آمرزش خود قرار دهد.

بر      قال علی (ع): «مَعَ الْيَتْرِ تَدْرُ الرَّحْمَةَ»<sup>۱۱۴</sup> رحمت خداوند همراه با نیکی انسان جریان می یابد.

## ۲- دیگریاری

### ۲ / الف- دیگریاری در زمینه اجتماعی

همان طور که قبلاً اشاره شد مفهوم این عمل تعاونی آن است که یاری کننده در اثر و نتیجه یاری ذی نفع نیست و به عبارت دیگری یاری با چشمداشت و انتظار متقابل همراه نمی باشد، بلکه تمام هدف یاری، متوجه دیگری است که نیازهای او در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، روانی و فکری یا عبادی قرار دارد و بدین ترتیب دیگریاری انواع گوناگون دارد که مورد بحث قرار می گیرد:

### ۱- خدمات اجتماعی

تفضل      قال علی (ع): «إِنْ تَفَضَّلْتَ خَدَمْتَ»<sup>۱۱۵</sup> اگر به دیگری بخشش کنی به او خدمت کرده ای.

عفو      قال علی (ع): «الْعَفْوُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ»<sup>۱۱۶</sup> گذشت بهترین نوع نیکی به دیگران است.

اعانة      قال علی (ع): «إِذَا رَأَيْتَ مَظْلُومًا فَأَعْنُهُ عَلَى الظَّالِمِ.»<sup>۱۱۷</sup> هر گاه ستمدیده ای را دیدی او را علیه ستمگر یاری کن.

نجات ستمدیده از ستم، یکی از انواع خدمت اجتماعی است. بدین ترتیب این وظیفه اجتماعی به صورت اخلاق اجتماعی در اسلام به عهده مسلمانان قرار داده شده است. اعانت یکی از این گونه صفات اخلاقی است که

درب‌گیرنده دیگریاری است زیرا یاری دهنده را در نوع کمک نفعی نیست و انتظار جبران از یاری گیرنده ندارد.

عدالت قال علی (ع): «لَا تُؤْتِيَسِ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ»<sup>۱۱۸</sup> ضعیفان را از عدالت خود ناامید مکن.

عدالت اجتماعی ایجاب خواهد کرد که در جهت رفع فقر و محرومیت دیگران بکوشیم و در احقاق حقوق آنان تلاش کنیم. بنابراین عدالت نوعی کمک به دیگران محسوب خواهد شد.

صدیق قال علی (ع): «الْصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانَ، مُعِينًا عَلَيَّ الْبِئْرِ وَالْإِحْسَانَ»<sup>۱۱۹</sup> دوست، کسی است که دیگری را از ستم و تجاوز به دیگران بازدارد و در نیکی و خوبی به دیگران او را یاری دهد.

در اسلام دامنه خدمات اجتماعی به گونه‌ای گسترده است که شامل جلوگیری از ستمگری و کمک در نیکو کاری نیز می‌شود. زیرا ممکن است کسی تحت تاثیر تمایلات گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی و غیره دست به ستمگری و تجاوز به حقوق دیگران بزند و بدین ترتیب از کمال انسانی دور شود. بنابراین جلوگیری از ستم فراهم کردن توفیق به نیکو کاری برای دیگری می‌تواند کمک یا خدمت اجتماعی برای او محسوب شود.

سیادت قال علی (ع): «الْأَسِيدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَنْفَالَ إِخْوَانِهِ»<sup>۱۲۰</sup> کسی که سنگینی بار برادرانش را به دوش کشد سیادت و سروری دارد.

صفت سیادت حاوی مفهوم خدمت اجتماعی است بدین گونه که کاستن از بار مادی و معنوی دیگران با سیادت و سروری مرادف شناخته شده است. بنابراین در اسلام بسیاری از نیازهای مسلمانان از طریق مسلمانان دیگر که واجد صفات اخلاق اسلامی می‌باشند برآورده می‌شود.

مودت قال علی (ع): «كُنْ لِرِوَدِّ حَافِظًا وَأَنْ لَمْ تَجِدْ مُحَافِظًا»<sup>۱۲۱</sup> از دوست خود پشتیبانی کن اگر چه خود بدون پشتیبان باشی.

روایت فوق مفهوم دیگریاری اجتماعی را دقیقتر بیان می‌کند زیرا حمایت و پشتیبانی دیگران بدون چشمداشت حمایت متقابل مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین شرط مودت در اسلام حمایت بی‌قید و شرط از دوست خویش است. قال علی: «الاحتمالُ زین الرفاق تحمّل (بار دیگران) زینت رفاقت است. ۱۲۲

قال علی (ع): «الْإِحْتِمَالُ زَيْنُ السِّيَاسَةِ»<sup>۱۲۳</sup> تحمل (بار دیگران) زینت سیاست است.

بدین ترتیب صفات رفاقت و سیاست آثار تعاونی دارد بدین صورت که کمال این صفات در خدمت اجتماعی به دیگران نهفته است. ملاحظه می شود که در مجموع اخلاق اجتماعی در اسلام حاوی جنبه های تعاونی گوناگون است و گسترش این صفات اخلاقی بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی را حل خواهد کرد.

## ۲- روابط اجتماعی

سیادت      قال علی (ع): «السَّيِّدُ مَنْ أَحْسَنَ مُجَاوَرَةَ جِرَانِهِ»<sup>۱۲۴</sup> سیادت از آن کسی است که با همسایگان خود حسن همجواری داشته باشد.

کرم      قال علی (ع): «مِنَ الْكِرَمِ إِحْتِمَالُ جِنَايَاتِ الْإِخْوَانِ»<sup>۱۲۵</sup> تحمل خطاها و لغزشهای برادران نشانه کرم است.

مروءة      قال علی (ع): «مَرْوَةُ الرَّجُلِ فِي إِحْتِمَالِ عَثَرَاتِ الْإِخْوَانِ»<sup>۱۲۵</sup> مروءة مرد در تحمل لغزشهای برادران است.

تحمل و صلة      قال علی (ع): «إِخْمِلْ نَفْسَكَ عِنْدَ شِدَّةِ أَخِيكَ عَلَى اللَّيْنِ وَعِنْدَ قَطِيعَتِهِ عَلَى الْوَصْلِ وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدْلِ وَكُنْ لِلذِّي يَبْدُو مِنْهُ حَمُولًا وَلَهُ وَصُولًا»<sup>۱۲۶</sup> تحمل کن بر خودت ملایمت و مهربانی را هنگام سرسختی برادرت، برقراری ارتباط را هنگام دوری گزینی او، بخشش را هنگام گرفتگی و خست او، و تحمل کن هر آنچه را از او به تو می رسد و با او همواره در تماس باش.

روایت فوق حاوی اصول اساسی در برقراری روابط اجتماعی و کمک به بهبود آن است. یک نکته مهم آن است که قطع ارتباط، گرفتگی و بدرفتاری از طریق عدم مقابله به مثل پیشگیری شده است و اصل در روابط اجتماعی، همبستگی و کمک به دیگران قرار داده شده است. در واقع می توان گفت تحمل و ادامه ارتباط اجتماعی با دیگران نوعی آموزش اجتماعی است تا همگان در جهت بهبود روابط اجتماعی تربیت یابند. بدین گونه مواعی که برای یک فرد به منظور برقراری ارتباط اجتماعی وجود دارد، برطرف خواهد

شد.

اطاعت و ارتباط قال علی (ع): «أَطِعْ أَخَاكَ وَإِنْ عَصَاكَ وَاصِلُهُ وَإِنْ جَفَاكَ»<sup>۱۲۷</sup> از برادرت اطاعت کن اگرچه نافرمانی تو را کند و با او ارتباط داشته باش اگرچه با تو درشتی کند.

بی آزاری قال علی (ع): «مِنْ أَمَارَاتِ الْخَيْرِ الْكَفُّ عَنِ الْأَذَى»<sup>۱۲۸</sup> از نشانه های خیر، خودداری از آزار دیگران است.

تَوَدُّدًا قال علی (ع): «الْفَوَدُ إِثْمُ النَّاسِ رَأْسُ الْعَقْلِ»<sup>۱۲۹</sup> دوستی با مردم اساس خرد است.

ترخم و نیکی قال علی (ع): «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِجَمِيعِ النَّاسِ وَالْإِحْسَانَ إِلَيْهِمْ وَلَا تُتْلِهِمْ حَيْفًا وَلَا تَكُنْ عَلَيْهِمْ سَيْفًا»<sup>۱۳۰</sup> نیکی و مهربانی با مردم را شعار دلت کن و به آنان آزاری مرسان و برای آنان همچون شمشیر مباش.

پرهیز از کینه نوزی قال علی (ع): «تَجَنَّبُوا تَضَاعُنَ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنَ الصُّدُورِ وَ تَدَابُرَ النَّفُوسِ وَ تَخَاذُلَ الْأَيْدِي تَمْلِكُوا أَمْرَكُمْ»<sup>۱۳۱</sup> پرهیزید از کینه داشتن دلها با هم، از دشمنی سینه ها با هم، از روی گرداندن روانها از یکدیگر، و از یاری نکردن دستها به یکدیگر، تا این که خود بتوانید امور خود را در دست بگیرید.

این روایت بخوبی نشان می دهد که تأثیر همبستگی اجتماعی و روانی بر استحکام روابط اجتماعی و انسجام جامعه غیر قابل انکار است همچنان که واقعیتها نیز این تأثیر را ثابت می کنند. به عبارت دیگر رابطه و تأثیر دیگر یاری اجتماعی و روانی در بهبود و استحکام روابط اجتماعی حقیقی است که از زبان حضرت علیه السلام بیان شده است و می توان از بررسیها و شواهد عینی نیز به حقیقت آن پی برد.

### ۳- همبستگی اجتماعی

اگرچه بهبود روابط اجتماعی به نوعی ممکن است منجر به همبستگی اجتماعی و کمک متقابل اجتماعی شود ولی غرض از مفهوم فوق، پیوستگی و اعتماد متقابل در بین مسلمانان در جامعه اسلامی است که نتیجه و محصول برخی صفات و شیوه های اخلاقی به شرح ذیل است:

مساعت قال علی (ع): «سَاعِدْ أَخَاكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ زَلْ مَعَهُ حَيْثَمَا زَالَ»<sup>۱۳۲</sup> برادرت را یاری و مساعدت کن در هر حالی که ممکن باشد و برو با او هر جا که برود.

اظهار دوستی قال علی (ع): «بِالتَّوَدُّدِ تَكُونُ الْمَحَبَّةُ»<sup>۱۳۳</sup> اظهار دوستی با دیگری سبب (پیوند روانی و) محبت می شود.

حسن خلق قال علی (ع): «حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ»<sup>۱۳۴</sup> نیکخویی موجب دوستی و افزایش آن می شود.

## ۲/ب- دیگر یازی در زمینه اقتصادی

### ۱- بخشش مال

جود قال علی (ع): «جُودُوا بِالْمَوْجُودِ»<sup>۱۳۵</sup> آنچه در دست دارید به دیگران ببخشید (به خود وعده بخشش در آینده را ندهید).

سخا قال علی (ع): «خَيْرُ السَّخَاءِ مَا صَادَفَ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ»<sup>۱۳۶</sup> بهترین نوع سخاوت آن است که مال را به نیازمند آن ببخشی.

قال علی (ع): «الْأَسْخَاءُ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالِ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً»<sup>۱۳۷</sup> سخاوت آن است که مال خود را بدون چشمداشت به دیگری ببخشی و از مال دیگری چشم پوشی.

بذل قال علی (ع): «أَبْذَلُ مَالِكَ فِي الْحُقُوقِ وَأَوْسَى بِهِ الصَّدِيقَ فَإِنَّ السَّخَاءَ بِالْحَرِّ أَخْلَقُ»<sup>۱۳۸</sup> مال خود را در راه ادای حقوقی که بر تو لازم شده هزینه کن و به وسیله آن نیاز دوست خود را بر آور. زیرا بخشش مال به شخص آزاده (کسی که نیازش را پیش دیگران مطرح نمی کند) سزاوارتر است.

انفاق قال علی (ع): «أَخْرَجَ مِنْ مَالِكَ الْحَقُوقَ وَأَشْرَكَ فِيهِ الصَّدِيقَ» مال خود را در راه ادای حقوق لازم شده بر خود خرج کن و دوست خود را در آن شریک گردان<sup>۱۳۹</sup> قال علی (ع): «لَمْ يَرْزَقِ الْمَالَ مَنْ لَمْ يُنْفِقْهُ»<sup>۱۴۰</sup> کسی که مال خود را به دیگری نمی بخشد به های از آن نبرده است.

## ۲- رفع نیاز دیگران

اخوت قال علی (ع): «خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ بِخَيْرِهِ وَخَيْرٌ مِنْهُ مَنْ أَعْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ»<sup>۱۴۱</sup> بهترین برادرانت کسی است که در رفع نیاز با تو همنوایی کند و بهتر از او کسی است که تو را از غیر خودش بی نیاز سازد.

توضیح آن که مواسات عبارت است از رفع نیاز دیگری در حدی برابر با خود و این امر نوعی یاری و کمک به دیگری است لیکن درجه برتر اخوت

آن است که نیاز دیگری را به طور کامل و حتی بیشتر از حدی که برای خود رفع کرده‌ای، بر آورده کنی. ملاحظه می‌شود که اخلاق تعاونی در زمینه اقتصادی مبتنی بر رفع نیاز دیگران به طور کامل است.

بر  
 قال علی (ع): «خَيْرُ الْبَرِّ مَا وَصَلَ إِلَى الْمُحْتَاجِ»<sup>۱۴۲</sup> بهترین نیکی آن است که نیاز نیازمندی با آن بر آورده شود.

رفع نیاز  
 قال علی (ع): «مَنْ أَحْتَاَجَ إِلَيْكَ وَجَبَ إِسْعَافُهُ عَلَيْكَ»<sup>۱۴۳</sup> هر کس به یاری تو نیازمند شد یاری کردن او بر تو واجب است.

### ۳- کمک به زندگی دیگران

فصل  
 قال علی (ع): «أَحْسَنُ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ عَاشَ النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۱۴۴</sup> نیکوترین زندگی را کسی دارد که دیگران از بخشش او زندگی کنند.

قال علی (ع): «زَكَاةُ الْمَالِ الْإِفْضَالُ»<sup>۱۴۵</sup> زکات مال بخشودن آن به دیگران است.

قال علی (ع): «إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ حَسَنَ عَيْشِ النَّاسِ فِي عَيْشِهِ»<sup>۱۴۶</sup> بهترین زندگی را کسی دارد که زندگی دیگران در اثر زندگی او خوش و مرفه باشد.

اتفاق  
 قال علی (ع): «لَمْ يَرْزُقِ الْمَالَ مَنْ لَمْ يُتَّقِهِ»<sup>۱۴۷</sup> (از مال بهره نبرده است کسی که آن را به دیگران نبخشد.

فصل  
 قال علی (ع): «أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ»<sup>۱۴۸</sup> با فضیلت ترین مردم کسی است که بیشترین نفع را به مردم می‌رساند.

قال علی (ع): «لَا تُؤَخِّدْ إِثَالَةَ الْمُحْتَاجِ إِلَى عَدِّ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَعْزُضُ لَكَ وَ لَهُ فِي عَدِّ»<sup>۱۴۹</sup> رساندن کمک به دیگری را تا فردا به تأخیر مینداز زیرا نمی‌دانی که فردا چه برای تو و او پیش خواهد آمد.

از مجموع روایات فوق دربارهٔ کمکهای اقتصادی به دیگران چنین نتیجه می‌توان گرفت که اخلاق اسلامی یکی از اساسی ترین شیوه‌های رفع نیازهای اقتصادی جامعه است. اخلاق تعاونی در اسلام در زمینه اقتصادی هدفی کاملاً اجتماعی و حمایتی دارد و اشتراک منافع، نفع متقابل، رفاه همگانی و تأمین اجتماعی از ویژگیهای آن است. بخشش دیگران گاه به منزلهٔ ادای زکات بیان شده و در مقایسه با حقوق واجب اقتصادی قرار گرفته

است. ماهیت نیاز به گونه‌ای مطلق بیان شده است که جامعیت کافی برای شمول زمانها و مکانهای مختلف را داشته باشد. زندگی مسلمان از طریق اخلاق به زندگی دیگران پیوند می‌خورد و تراکم ثروت و افزونی آن از طریق اخلاق تعاونی در رفع نیاز دیگران هزینه می‌شود. جریان کمک، جریانی روزمره در نظر گرفته شده است و تأخیر آن به صورت گهگاهی و اتفاقی مجاز شمره نمی‌شود. به طور کلی اعطای کمک، نوعی واجب و فریضه اخلاقی قلمداد شده است که مسلمان نمی‌تواند بسادگی از آن بگذرد.

## ۲- ج- دیگریاری در زمینه روانی و فکری

نیاز به راهنمایی و کمک فکری برای انسان در سطوح مختلف اعم از فردی و گروهی وجود دارد و هر جامعه به شیوه‌های رسمی و غیررسمی در جهت رفع این نوع نیاز انسان اقدام می‌کند. امروزه در برخی جوامع صنعتی استفاده از فکر و نظر دیگری در زمینه‌های علمی، فنی و تخصصی و یا حتی مشاوره روانی صورت اقتصادی به خود گرفته و مستلزم پرداخت هزینه است. از طرف دیگر بسیاری از گرفتاریهای اجتماعی که سلامت و امنیت جامعه را تهدید می‌کند از قبیل نزاعها، اختلافها، بیماریهای روانی، عصبانیتها و غیره ریشه در چگونگی روابط اجتماعی و طرز رفتارها و هنجارهای اجتماعی دارد. بدین ترتیب نیاز به هدایت و همکاری فکری و تلطیف روحی و روانی در جامعه حایز اهمیت بسیار است که در اسلام این نیاز عمده از طریق اخلاق تعاونی یا اخلاق اجتماعی برآورده می‌شود.

در اخلاقیات اسلامی استفاده از واژه کمک یا اعانه برای اهداف فکری و روانی فراوان دیده می‌شود. و این نکته خود جای تأمل دارد؛ زیرا در اسلام اعانت صرفاً مفهوم اقتصادی ندارد، بلکه مفهوم روانی و فکری نیز دارد. اکنون به برخی از انواع کمکهای فکری و روانی در اخلاق تعاونی اسلام اشاره می‌شود.

## ۱- راهنمایی دیگران

هدایت      قال علی (ع): «أَعِنُّ أَخَاكَ عَلَى هِدَايَتِهِ»<sup>۱۵۰</sup> برادر مسلمانان را در زمینه هدایت او کمک و یاری کن.

این نوع هدایت مطابق آنچه که گفته‌اند در زمینه راهنمایی امور است و جلوگیری از هرگونه اشتباهکاری را که ممکن است موجب زیان مادی و معنوی انسان شود شامل می‌شود. این نوع هدایت در مقابل فردگرایی و

- انزوای اجتماعی قرار دارد که گریبانگیر بسیاری از جوامع است.
- الصدیق قال علی (ع): «الْصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي غَيْبِكَ وَحَفَظَكَ وَآثَرَكَ عَلَيَّ نَفْسِهِ»<sup>۱۵۱</sup> دوست راستگو کسی است که درباره‌ی نارسایی‌ها تو را پند دهد و از گفتار ناروا در غیاب تو پرهیز کند و تو را بر خود مقدم دارد.
- ایثار قال علی (ع): «لِيَكُنْ آثَرُ النَّاسِ عِنْدَكَ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكَ عَيْبَكَ»<sup>۱۵۲</sup> مقدم‌ترین مردم نزد تو باید کسی باشد که عیب تو را به تو گوشزد کند.

## ۲- بهبود روانی

- ایثار قال علی (ع): «لِيَكُنْ آثَرُ النَّاسِ عِنْدَكَ مَنْ... أَعَانَكَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»<sup>۱۵۳</sup> مقدم‌ترین مردم نزد تو باید کسی باشد که تو را در زمینه روانی یاری کند.
- صحبت قال علی (ع): «مَنْ لَمْ يَضْحِكْ مُعِينًا عَلَيَّ نَفْسِكَ فَضَحْبَتُهُ وَبِأَعْلَبِكَ إِنْ عَلِمْتَ»<sup>۱۵۴</sup> کسی که با یاری کردن در زمینه روانی تو را همراهی نکند، همنشینی او باری است بر دوش تو اگر بدانی.
- شفق قال علی (ع): «أَشْفَقُ النَّاسَ عَلَيْكَ أَعُوْنَهُمْ عَلَيَّ صَلاَحِ نَفْسِكَ»<sup>۱۵۵</sup> مهربانترین مردم نسبت به تو کسی است که در مورد بهبود روانی تو بیشتر یاری‌ات رساند.

## ۳- مددکاری روانی

- معروف قال علی (ع): «أَفْضَلُ الْمَعْرُوفِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ»<sup>۱۵۶</sup> بهترین کار نیک مددکاری غم‌دیده است.
- اخوت قال علی (ع): «الْأَخْوَانُ جَلَاءُ الْهُمُومِ وَالْأَخْزَانِ»<sup>۱۵۷</sup> برادران غمها و اندوهها را از انسان دور می‌سازند.

## ۴- رازداری

- عدم تجسس قال علی (ع): «مَنْ تَطَّلَعَ عَلَيَّ أَسْرَارِ جَارِهِ انْهَتَكَتْ أَسْتَارُهُ»<sup>۱۵۸</sup> کسی که بر رازهای همسایه‌اش آگاهی یابد به حریم او تجاوز کرده است.
- محبت قال علی (ع): «عَيْنُ الْمُحِبِّ عُمِيَّةٌ عَنِ الْمَحْبُوبِ وَأُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ»<sup>۱۵۹</sup> دیده‌ی دوست از دیدن زشتیهای محبوب خود کور و گوش او از شنیدن بدیهای وی کر است.

#### ۴- تحمل لغزشها

فتون      قال علی (ع): «نِظَامُ الْفُتُوَّةِ اِحْتِمَالُ عَثَرَاتِ الْاِخْوَانِ...»<sup>۱۶۰</sup> نظام جوانمردی عبارت است از تحمل لغزشهای برادران.  
مروت      قال علی (ع): «مَرُوءَةُ الرَّجُلِ فِي اِحْتِمَالِ عَثَرَاتِ الْاِخْوَانِ»<sup>۱۶۱</sup> مردانگی مرد در تحمل لغزشهای برادران است.

#### ۲- د- دیگریاری در زمینه عبادی و اخروی

##### ۱- یاری دینی

شفقت      قال علی (ع): «اَشْتَقُّ النَّاسَ عَلَيْكَ اَنْصَحُهُمْ لَكَ فِي دِينِكَ»<sup>۱۶۲</sup> مهربانترین مردم نسبت به تو کسی است که بیشترین پند را در زمینه دینی به تو دهد.  
قال علی (ع): «فَمَنْ اَعَانَكَ عَلَيَّ صَلاَحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ الشَّفِيقُ»<sup>۱۶۳</sup> کسی که تو را در امر دین یاری کند، رفیق مهربان تو است.

##### ۲- افزایش و بهبود ایمان

محبت      قال علی (ع): «اَحِبِّبْ فِي اللّٰهِ مَنْ يُجَاهِدُكَ عَلَيَّ صَلاَحِ دِينٍ وَيُكْسِبُكَ حُسْنَ يَقِينٍ»<sup>۱۶۴</sup> دوست بدار در راه خدا کسی را که برای بهبود دین با تو می جنگد و یقینی نیکو به تو می بخشد.

##### ۳- هدایت دینی

اخوت      قال علی (ع): «اَخُوكَ فِي اللّٰهِ مَنْ هَدَاكَ اِلَى رِشَادٍ وَنَهَاكَ عَنِ فِسادٍ وَاَعَانَكَ اِلَى مَعَادٍ»<sup>۱۶۵</sup> برادر تو در راه خدا کسی است که تو را به سوی راه راست هدایت کند و از فساد، تو را بازدارد و در امر معاد و آخرت تو را یاری دهد.

##### ۳- همیاری

#### ۳- الف- همیاری در زمینه اجتماعی

##### ۱- جبران نیکی

اهتمام      قال علی (ع): «مَنْ هَمَّ اَنْ يُّكَافِيَ عَلَيَّ مَعْرُوفٍ فَقَدْ كَافَى»<sup>۱۶۶</sup> کسی که قصد جبران نیکی کسی را کند، در حقیقت جبران کرده است.  
جبران نیکی یک عمل متقابل اجتماعی است که در جهت همبستگی و تکامل اجتماعی تأثیر می گذارد. لیکن گاهی جبران نیکی یک نیکوکار با اقدام

مشابه آن یعنی نیکی متقابل است و این نوعی همیاری در زمینه نیکوکاری است و گاهی هم جبران نیکی وی با قصد نیکی صرفاً امکان پذیر است. و روایت فوق از مقوله اخیر است. بدین ترتیب قصد نیکی، عملی اخلاقی است که همانند عمل واقعی تأثیر گذار است. این نوع تأثیر یک تأثیر اخلاقی است و کمکی اخلاقی محسوب می شود.

## ۲- انصاف متقابل

انصاف      قال علی (ع): «مَنْ أَنْصَفَ أَنْصِفَ»<sup>۱۶۷</sup> کسی که نسبت به دیگران رعایت انصاف کند، دیگران نسبت به او رعایت انصاف خواهند کرد.

توضیح این که چگونگی تأثیر متقابل یک عمل اخلاقی مانند رعایت انصاف و در نظر داشتن حقوق دیگران به دو صورت ظاهر می شود: اول این که یاری گیرنده شخصاً یاری دهنده را موضوع عمل اخلاقی خود قرار دهد. دوم این که عمل اخلاقی به صورت هنجاری اجتماعی در آید و دیگران (نامتعین) از طریق یادگیری اجتماعی تربیت اخلاق یافته و نسبت یاری دهنده (معین) به انصاف رفتار کنند. پس یاری دهنده یعنی شخص منصف معین؛ ممکن است از شخص معینی مورد انصاف انتظار انصاف متقابل نداشته باشد و از دیگران نامتعین چنین انتظاری داشته باشد.

## ۳- یاری متقابل

اعانة      قال علی (ع): «أَعِنُ تَعْنُ»<sup>۱۶۸</sup> دیگران را یاری کن تا دیگران تو را یاری کنند.  
قال علی (ع): «كَمَا تَعِينُ تَعَانُ»<sup>۱۶۹</sup> همان طور که دیگری را یاری می کنی دیگری نیز تو را یاری می کند.

عون      قال علی (ع): «مَنْ لَمْ يَنْجِدْ لَمْ يَنْجَدْ»<sup>۱۷۰</sup> کسی که اعانت نکند اعانت نشود.  
قال علی (ع): «نِعْمَ الْعَوْنُ الْمُظَاهَرَةُ»<sup>۱۷۱</sup> همبستگی بهترین نوع یاری است.  
در روایت فوق رابطه تعاون با یک عمل اخلاقی یعنی همبستگی مشخص می شود زیرا همبستگی نوعی یاری محسوب شده و مورد تأکید قرار گرفته است و بدین ترتیب زمینه اجتماعی تعاون نیز آشکارتر شده است؛ در مقابل این فکر که تعاون بیشتر در زمینه اقتصادی کار کرد دارد.

#### ۴- همبستگی اجتماعی

صدیق قال علی (ع): «الْأَصْدِقَاءُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ فِي جُسُومٍ مُتَفَرِّقَةٍ»<sup>۱۷۲</sup> دوستان نسبت به هم مانند یک جان در بدنهای مختلف هستند.

روایت مزبور حاوی حکمی واقعی و اخلاقی است. بدین ترتیب که در واقعیت، گروه دوستان دارای درک، حساسیت و عواطف مشترک می باشند و آنچه مایه آزردهی یکی شود آزردهی دیگران را به دنبال خواهد داشت و مصادیق این امر فراوان است و این یک واقعیت است. همچنین رابطه فوق می تواند به عنوان نوعی ارزش اخلاقی نیز منظور شود و دوستان را ملزم به دفاع از منافع یکدیگر کند تا نسبت به سود و زیان یکدیگر حساس و کنجکاو باشند.

بنابراین، روابط دوستی صفتی اخلاقی است که همبستگی اجتماعی متقابل را برای اعضای گروه دوستان در پی دارد.

#### ۵- امنیت متقابل

مصاحبت قال علی (ع): «إِصْحَابِ النَّاسِ بِمَا تُحِبُّ أَنْ يَصْحَبُوكَ تَأْمَنُهُمْ وَيَأْمَنُوكَ»<sup>۱۷۳</sup> با مردم به گونه ای مصاحبت کن که مایلی دیگران با تو آن گونه مصاحبت کنند به طوری که تو موجب امنیت آنان و آنان موجب امنیت تو شوند.

#### ۶- دوستی متقابل

سخاو حسن خلق قال علی (ع): «عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرِّزْقَ وَيُوجِبَانِ الْمَحَبَّةَ»<sup>۱۷۴</sup> بر شما است که سخاوت و نیکخویی داشته باشید، زیرا این دو موجب فزونی روزی و دوستی بین شما می شود.

قال علی (ع): «حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ»<sup>۱۷۵</sup> خوی نیک موجب محبت و تثبیت دوستی می شود.

مضمون روایات فوق گویای این مطلب است که صفات اخلاقی مزبور تأثیر جمعی و متقابل دارد؛ زیرا در بیان روایات، طرف خاصی به عنوان تأثیرپذیر و طرف دیگر به عنوان تأثیرگذار مشخص نشده است. بدین ترتیب هر کس می تواند با داشتن صفات اخلاقی معین دوستی دیگران را جلب کند یا به

خاطر صفت خاصی که دیگران دارند خود دوست دیگران شود.

#### ۷- افزایش قدرت

صله رحم قال علی (ع): «صِلَةُ الرَّحِمِ مَنَّمَةٌ لِّلْعَدَدِ مَثْرَاءُ لِّلنِّعَمِ»<sup>۱۷۶</sup> ارتباط با خویشان وسیله افزایش تعداد (افراد قوم و قبیله) و فزونی نعمتها می شود.

#### ۸- نیکی متقابل

احسان قال علی (ع): «أَحْسِنُ يُحَسِّنُ إِلَيْكَ»<sup>۱۷۷</sup> به دیگری احسان و نیکی کن تا متقابلاً به تو نیکی و احسان شود.

در این روایت دریافت نیکی از دیگران مشروط به اعمال نیکی از طرف خود انسان شده است بدین مفهوم که در صورتی می توان انتظار نیکی دیگران را داشت که خود، انسان نیکو کاری باشد. پس به این ترتیب نیکو کار شدن، هم نفع فردی و هم نفع جمعی در پی دارد.

#### ۹- منزلت

احسان قال علی (ع): «كَافِلٌ دَوَامُ الْغِنَى وَالْإِمْكَانِ اتِّبَاعُ الْإِحْسَانِ الْإِحْسَانِ»<sup>۱۷۸</sup> احسان پی در پی به دیگران ضامن استمرار بی نیازی و منزلت است.

از مفهوم کلی و عام این روایت استفاده می شود که احسان می تواند این ویژگی را داشته باشد که اگر به وسیله یک فرد یا تعدادی افراد به صورت پی در پی و مکرر تحقق یابد لزوماً حالت بی نیازی و مکنت به گروه وسیعی از جامعه می دهد و اثر جمعی خواهد داشت. بنابراین برخوردار شدن از مکنت و بی نیازی؛ هم برای فرد و هم برای جمع مؤثر است.

عزت قال علی (ع): «مَا عَزَّ مَنْ ذَلَّ جِيرَانُهُ»<sup>۱۷۹</sup> کسی که همسایگانش را خوار شمارد به عزت و آبرودست نیابد.

بنابراین، آبروی ساکنان یک محل بستگی به عمل متقابل آنان، یعنی احترام متقابل و رعایت آبروی یکدیگر دارد. نفع فردی و جمعی آنان در رعایت اصل اخلاقی فوق خواهد بود.

## ۱۰- صلح و آشتی

بشر قال علی (ع): «الْبِشْرُ يُطْفِئُ نَارَ الْمُعَانَدَةِ»<sup>۱۸۰</sup> خوشرویی آتش کینه متقابل را خاموش می کند.

قال علی (ع): «الْبِشْرُ يُؤْنِسُ الرَّفَاقَ»<sup>۱۸۱</sup> خوشرویی موجب همدلی رفیقان و دوستان می شود.

بشاشة قال علی (ع): «الْبِشَاشَةُ جِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ»<sup>۱۸۲</sup> خوشرویی دام دوستی است. روایات فوق ظاهراً اثر فردی و جمعی صفات اخلاقی را بیان می کند و بدیت ترتیب اعضای یک جامعه یا گروه می توانند با این ویژگیها سلامت و آشتی اجتماعی را در بین خود تأمین کنند.

## ۳- ب- همیاری در زمینه اقتصادی

### ۱- فراوانی نعمت

معروف قال علی (ع): «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تُدْرِي النَّعْمَاءَ وَتَدْفَعُ الْبَلَاءَ»<sup>۱۸۳</sup> کارهای نیک موجب فراوانی نعمتها و جلوگیری از گرفتاریها می شود.

صله رحم قال علی (ع): «صِلَةُ الرَّحِمِ تُدْرِي النَّعْمَ وَتَدْفَعُ النَّقْمَ»<sup>۱۸۴</sup> پیوند با خویشان موجب فراوانی نعمتها و جلوگیری از تنفر و اکراه انسان می شود.

قال علی (ع): «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُشْمِرُ الْأَمْوَالَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَالِ»<sup>۱۸۵</sup> پیوند با خویشان موجب افزایش و بارور شدن اموال و تأخیر اجلها می شود.

### ۲- رفع نیاز متقابل

اخوت قال علی (ع): «خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَا يُخَوِّجُ إِخْوَانَهُ إِلَى سِوَاهُ»<sup>۱۸۶</sup> بهترین برادران کسی است که نگذارد برادرش به دیگران نیازمند شوند.

بدین ترتیب برادری اسلامی ایجاب می کند که برادران به طور متقابل نیازهای مادی و معنوی یکدیگر را تأمین کنند. پس اخوت اسلامی گروهی همیار را تشکیل خواهد داد به طوری که از اخوت خود بهره اقتصادی نیز خواهند برد.

### ۳- ازدیاد روزی

سخا وحسن خلق قال علی (ع): «عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرِّزْقَ وَبُوجِبَانِ

الْمَحَبَّة»<sup>۱۸۷</sup> بر شما باد به سخاوتمندی و نیکخویی زیرا این دو برای شما موجب افزایش روزی و محبت خواهد بود.

قال علی (ع): «لِيَكُنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيْكَ وَأَحْظَاهُمْ لَدَيْكَ أَكْثَرُهُمْ سَعْبًا فِي مَنَافِعِ النَّاسِ»<sup>۱۸۸</sup> محبوبترین و سودمندترین مردم نزد تو کسی باید باشد که بیشترین تلاش را در راه سود رساندن به مردم دارد.

بنابراین روایات، دوستی و اخوت در اسلام و نیز نیکخویی و سخاوت در پویش اجتماعی، سودمندی و بهره‌وری اقتصادی را برای گروهی از مسلمانان که دارای صفات فوق هستند، فراهم می‌آورد. بدیهی است گستردگی دامنه این گروه می‌تواند جامعه اسلامی را دربرگیرد. و در نهایت اخلاق مزبور یکی از راه‌های اقتصادی جامعه تواند بود.

#### ۴- دفع فقر و نیازمندی

صدقه و بذل قال علی (ع): «دَاوُوا الْفَقْرَ بِالصَّدَقَةِ وَالْبَدَلِ»<sup>۱۸۹</sup> فقر و نیازمندی را بین خود با صدقه و بخشش مداوا کنید.

احسان قال علی (ع): «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَلِيَحْسِنْ مِنْهُ الصِّيَابَةَ وَلِيَفِئْ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِي»<sup>۱۹۰</sup> کسی که خداوند به او ثروتی عطا کرد باید توسط آن با خویشان ارتباط برقرار کند، مهمانی و انفاق دهد، برده آزاد کند و به نجات افراد گرفتار پردازد.

جالب توجه این است که رفع گرفتاری انسانها نوعی فریضة اخلاقی منظور شده است و این وظیفه متقابل مسلمانان است.

مواصاة قال علی (ع): «أَفْضَلُ الْمُرُوَّةِ مُوَاسَاةُ الْأَخْوَانِ بِالْأَمْوَالِ وَمُسَاوَاتُهُمْ فِي الْأَحْوَالِ»<sup>۱۹۱</sup> برترین مردانگی همدردی مالی با برادران و برابری با ایشان در احوال (طرز برخوردها) است.

قال علی (ع): «لَا تَعُدَّنْ صَدِيقًا مِّنْ لَا يُوَاسِي بِمَالِهِ»<sup>۱۹۲</sup> کسی را که توسط ثروتش با تو همدردی نمی‌کند، دوست خود مشمار.

#### ۳- ج- همیاری در زمینه روانی و فکری

الفت قال علی (ع): «الْمُؤْمِنُ أَلْفُ مَأْلُوفٍ مُتَعَطِّفٌ»<sup>۱۹۳</sup> مؤمن با دیگران الفت می‌گیرد و نیز مورد الفت دیگران واقع می‌شود و انعطاف پذیر است.

الفت، هم یک صفت اخلاقی و هم یک نیاز روانی است که انسان در جستجوی آن است و نبود یا کمبود آن در جامعه منجر به اختلال روانی و اجتماعی خواهد شد. همچنین، روایت فوق، همه یک حکم ارزشی است و هم یک حکم واقعی، بدین گونه که به ضرورت وجود الفت متقابل در بین مسلمانان و مومنان توصیه و تأکید می‌کند (کلمه ارزشی) و هم این که بیان می‌کند افراد الفت گیرنده که دیگران را می‌پذیرند و به خود راه می‌دهند به نوبه خود و به طور متقابل مورد پذیرش و محبت دیگران قرار خواهند گرفت. و البته با تحقیق تجربی این حکم نیز قابل تأیید و اثبات است. بنابراین الفت صفتی اخلاقی است که به طور دو جانبه و متقابل کمک به رفع نیاز روانی مؤمنان خواهد کرد و نوعی همیاری محسوب می‌شود.

### ۱- زینت زندگی

اخوت قال علی (ع): «الْإِخْوَانُ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ وَعُدَّةٌ فِي الْبَلَاءِ»<sup>۱۹۴</sup> برادران به هنگام آسودگی زینت (زندگی) و در موقع گرفتاری یاوران یکدیگرند.

بدیهی است که زندگی بدون معاشرت با دوستان لذتی نخواهد داشت؛ بنابراین اخوت در روابط اجتماعی نوعی لطافت و نشاط ایجاد می‌کند. طبعاً همین دوستان به هنگام گرفتاری حداقل از نظر روانی مایه اطمینان خاطر و راهنمایی خواهند بود. بدین ترتیب اخوت این چنین کارکردها یا آثار روانی برای گروه دوستان یا برادران خواهد داشت.

### ۲- کاهش غم و اندوه

قال علی (ع): «الْإِخْوَانُ جَلَاءُ الْهَمِّ وَالْأَخْوَانِ»<sup>۱۹۵</sup> برادران (دوستان) غم و اندوه یکدیگر را از بین می‌برند.

### ۳- راهنمایی

نصیحت قال علی (ع): «خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَنْصَحُهُمْ وَشَرُّهُمْ أَعَشُهُمْ»<sup>۱۹۶</sup> بهترین برادران خالصترین آنان و بدترین آنها غش دارترین آنان است. بدین معنی؛ روابطی که بر اساس اخوت است از انحراف و غش بدور خواهد

بود زیرا لازمه برادری در اسلام این است که افکار موزیانه و نادرست در آنان نباشد.

مشورت قال علی (ع): «الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ»<sup>۱۹۷</sup> مشورت خواهی همان راهیابی (یا راهنمایی) است.

هدایت به دو معنی آمده است: یکی نشان دادن راه و دیگری پیدا کردن راه و رسیدن به مقصود کسانی که طالب مشورت باشند می توانند در مسیرهای مختلف فکری راه درست را از نادرست تشخیص داده و از همکاری فکری دیگران برخوردار شوند.

#### ۴- نشاط خاطر

بشاشة قال علی (ع): «الْبَشَاشَةُ أَحْسَانُ»<sup>۱۹۸</sup> خوشرویی نوعی نیکی است.

بشر قال علی (ع): «الْبِشْرُ أَحَدُ الْعَطَائِنِ»<sup>۱۹۹</sup> شکفته رویی به منزله بخشش است.

از روایات فوق می توان چنین دریافت کرد که شکفته رویی و خوشرویی نوعی بخشش است با این تفاوت که بخشش گاهی تأثیر مادی در دیگران دارد و گاهی بخشش به صورت یک صفت اخلاقی تأثیر روانی دارد و نوعی کمک و همکاری است که در اثر آن لطافت و نشاط خاطر برای گروهی از افراد که با هم ارتباط دارند فراهم می شود.

#### د- همیاری در زمینه عبادی

یکی از ویژگیهای جامعه اسلامی این است که مسلمانان از نظر اخلاقی، نه فقط در زمینه های دنیوی و زندگی مادی، بلکه در زمینه های عبادی و دینی نیز موظف به همکاری با یکدیگر می باشند. بدین ترتیب طرح جامعه اسلامی الگوی یک نظام تعاونی است که در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانی و ایدئولوژیک یا دینی کار کرد دارد. اکنون به برخی از صفات اخلاقی که به طور متقابل اثرات عبادی یا اخروی دارد و از طریق آن صفات، جامعه اسلامی در جهت رستگاری و هدایت معنوی قرار می گیرد، اشاره می شود:

حق خدا قال علی (ع): «وَلَكِنَّ مِنْ أَوْجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةَ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ، وَ التَّعَاوُنَ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ، وَ لَيْسَ أَمْرٌ - وَأَنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزَلَتُهُ وَ تَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ يَقُوقُ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ، وَ لَأَمْرٌ وَأَنْ صَفَرَتْهُ النَّفُوسُ وَ أَقْتَحَمَتْهُ الْعَبْوُونَ بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ»<sup>۲۰۰</sup>

از جمله حقوق واجبه خدا بر بندگان اندرز دادن و کمک و یاری به یکدیگر است برای اجرای حق بین خودشان به قدر توان، و کسی نیست که در راه حق و آنچه بر او واجب است، به یاری دیگری نیازمند نباشد، هر چند مقام و مرتبه او بزرگ باشد و در دین حق تقدم داشته باشد. و نیز کسی که مردم او را خرد و کوچک می شمارند، ناتوان از یاری کردن دیگران و بی نیاز از یاری شدن توسط دیگران نمی باشد.

اخوت قال علی (ع): «خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ تَكُنْ عَلَى الدُّنْيَا أُخُوته»<sup>۲۰۱</sup> بهترین برادران (دوستان) کسی است که دوستی او بر اساس دنیا نباشد.

وقتی که زمینه همکاری امور دنیوی نباشد، غرض دوستی نیز احتمال بیشتری دارد که بر اساس امور دنیا نباشد بلکه اهداف معنوی و اخروی منظور نظر باشد. بنابراین تاثیر اخوت در همکاری در زمینه معنوی و اخروی از روایت فوق آشکار می شود.

### نتیجه گیری

در این مقاله سعی شده که انواع تعاون بر حسب دو ملاک عمده یکی نیازمند و دیگر ماهیت نیاز طبقه بندی شود که در نتیجه آن سه نوع تعاونی تشخیص داده شده است که عبارتند از؛ خودیاری، دیگریاری و همیاری. سپس زمینه های مختلف تعاون در هر یک از انواع فوق بررسی شده و سرانجام صفات مختلف اخلاقی که در کلام حضرت علی علیه السلام جنبه تعاونی داشته در هر یک از زمینه های مزبور مطرح شده و یک یا دو نمونه از کلمات آن حضرت بیان گردیده است. ضمناً در خلال مطالب توضیحاتی که برای درک بهتر جنبه تعاونی اخلاقیات ضروری به نظر می رسیده، آورده شده است. در پایان برای درک سریعتر اخلاقیات تعاونی خلاصه مقاله در جدول زیر نشان داده شده است:

#### ۱- خودیاری

#### (نوع تعاون) (زمینه تعاون) (اخلاق تعاونی)

الف- در زمینه اجتماعی ۱- منزلت اجتماعی: بذل، فضل؛ انصاف؛ قناعت؛ عفو؛ عدل؛ احسان؛

صمت؛ صدق؛ صبر؛ مصاحبت؛ تحمل؛ برّ، وفا

۲- قدرت اجتماعی: عفو، صبر، مصاحبت، سخا، مسالمت، اکرام،

احسان، توفیق، تحمل.

۳- محبوبیت اجتماعی: حسن ظن، حسن معاشرت، رفق، سخا، حسن خلق، صله رحم، احسان، الفت، هدیه.

۴- ارتقای اجتماعی: حسن خلق، احسان، عفو.

۵- آبروی اجتماعی: مسالمت.

۶- اصالت اجتماعی: حسن خلق.

۷- امنیت اجتماعی: مدارا، صمت، مصاحبت، رفق، سلم.

۸- آزادی اجتماعی: یأس.

ب- در زمینه اقتصادی ۱- بهبود زندگی: قصد، عفت، قناعت.

۲- خود کفایی: قناعت، عفت، رضا، اخوت، یأس.

۳- افزایش روزی (بهره‌وری): رفق، اخوت، عقل، احسان.

۴- امکانات و تدارکات: صبر، صدق، توکل.

۵- رسیدن به هدف: صبر.

ج- در زمینه روانی و فکری ۱- امنیت روانی: نصیحت، سخا، سلیم، اخوت.

۲- آرامش روانی: انصاف، قناعت، سخا، صله رحم.

۳- کمک فکری: مشورت.

۴- نسکین روانی: صبر، اخوت.

## نوع تعاون زمینه تعاون اخلاق تعاونی

د- در زمینه عبادی ۱- هدایت و تقوا: اخوت، شفقت، رفق، صدق.

۲- جلب رحمت خدا: احسان، برّ.

## ۲- دیگر یاری

الف- در زمینه اجتماعی ۱- خدمات اجتماعی: تفضل، عفو، اعانت، عدالت، صدق، سیادت، موذت، رفاقت، سیاست.

۲- روابط اجتماعی: سیادت، کرم، مروت، تحمل، صله، اطاعت،

بی آزاری (کف عن الاذی)، توذد، ترحم، عدم

کینه.

۳- همبستگی اجتماعی: مساعدت، توذد، حسن خلق.

- ب - در زمینه اقتصادی ۱- بخشش مال: جود، سخا، بذل، انفاق  
 ۲- رفع نیاز دیگران: اخوت، بر، اسعاف (یاری).  
 ۳- کمک به زندگی دیگران: فضل، انفاق، عدم تأخیر.  
 ج - در زمینه روانی و فکری: ۱- راهنمایی دیگران: هدایت، صدیق، ایثار.  
 ۲- بهبود روانی: ایثار، مصاحبت، شفقت.  
 ۳- مددکاری روانی: معروف، اخوت.  
 ۴- رازداری: عدم تجسس، محبت.  
 ۵- تحمل لغزشها: فتوت، مروت.  
 د- در زمینه عبادی و اخروی: ۱- باری دینی: شفقت.  
 ۲- بهبود دینی: محبت  
 ۳- هدایت دینی: اخوت

## نوع تعاون زمینه تعاون اخلاق تعاونی ۳- همیاری

- الف - در زمینه اجتماعی ۱- جبران نیکی: اهتمام.  
 ۲- انصاف متقابل: انصاف  
 ۳- باری متقابل: اعانت، عون.  
 ۴- همبستگی متقابل: صدیق  
 ۵- اهنیت متقابل: مصاحبت  
 ۶- دوستی متقابل: سخا، حسن خلق، الفت (ص ۴۴ اضافه شود)  
 ۷- افزایش قدرت: صله رحم  
 ۸- نیکی متقابل: احسان  
 ۹- منزلت: احسان، عزت.  
 ۱۰- صلح و آشتی: بشر، بشاشت.  
 ب - در زمینه اقتصادی ۱- فراوانی نعمت: معروف، صله رحم.  
 ۲- رفع نیاز متقابل: اخوت  
 ۳- ازدیاد روزی: سخا، حسن خلق.  
 ۴- رفع فقر و نیازمندی: صدقه، بذل، احسان، مواسات، بشر (ص ۴۶)

اضافه شود)

- ج- در زمینه روانی و فکری ۱- زینت زندگی: اخوت  
۲- کاهش غم و اندوه: اخوت  
۳- راهنمایی: نصیحت، مشورت.  
۴- نشاط خاطر: بشاشت، بشر.  
د- در زمینه عبادی ۱- همیاری عبادی: حق خدا، اخوت.

### پی نوشتها

- ۱- علامه طباطبائی  
۲- زرر فوکه، بخش تعاون، انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، ص ۶۵  
۳- تحف العقول، ص ۲۳، میزان الحکمه (ری شهری) ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۶۷۵  
۴- ابن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ص ۱۰۳  
۵- مرتضی فرهادی، کیهان فرهنگی، «یاوریهای سنتی در ایران»، سال ۲، شماره ۱۰، ص ۲۲  
۶- عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلمه شرح جمال الدین محمد خوانساری، دانشگاه تهران، چاپ ۳ ج ۵ ص ۳۱۳  
۷- همان، جلد ۲، ص ۸۲  
۸- همان، جلد ۲، ص ۳۹۷  
۹- همان، ج ۲، ص ۱۷۵  
۱۰- همان، ج ۴، ص ۶۲۳  
۱۱- همان ج ۶، ص ۱۶۴  
۱۲- اویس کریم محمد، المعجم الموضوعی نهج البلاغه خطبه ۲۱۴، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۰۸ قمری، ص ۲۴۳  
۱۳- آمدی، غررالحکم و دررالکلمه ج ۲، ص ۶۱  
۱۴- همان، ج ۲، ص ۱۷۷  
۱۵- همان، ج ۱، ص ۶۸  
۱۶- همان، ج ۴، ص ۴۷۶  
۱۷- همان، ج ۱، ص ۲۷۸  
۱۸- همان، ج ۱، ص ۱۹۸  
۱۹- همان، ج ۳، ص ۳۶۴  
۲۰- همان، ج ۱، ص ۱۷۹  
۲۱- همان، ج ۵، ص ۱۹۳  
۲۲- همان، ج ۴، ص ۵۹۴  
۲۳- همان، ج ۴، ص ۵۹۴  
۲۴- همان، ج ۳، ص ۱۹۸  
۲۵- همان، ج ۱، ص ۱۷۹  
۲۶- همان، ج ۱، ص ۲۶۴  
۲۷- همان، ج ۵، ص ۴۶۲  
۲۸- همان، ج ۵، ص ۱۸۱  
۲۹- همان، ج ۶، ص ۳۹۸

- ۶۱- همان، ج ۵، ص ۲۶۸
- ۶۲- همان، ج ۶، ص ۱۵۶
- ۶۳- همان، ج ۴، ص ۱۶
- ۶۴- همان، ج ۲، ص ۱۸۴
- ۶۵- دهنخدا، زبان سرخ
- ۶۶- آمدی، غرر و درر، ج ۲، ص ۱۸۹
- ۶۷- همان، ج ۱، ص ۲۷۷
- ۶۸- همان، ج ۴، ص ۱۳۹
- ۶۹- همان، ج ۱، ص ۴۱
- ۷۰- همان، ج ۱، ص ۲۳
- ۷۱- همان، ج ۱، ص ۴۱
- ۷۲- همان، ج ۴، ص ۲۹۷
- ۷۳- همان، ج ۱، ص ۱۵۱
- ۷۴- همان، ج ۵، ص ۲۷۴
- ۷۵- همان، ج ۴، ص ۲۹۲
- ۷۶- همان، ج ۱، ص ۱۴۸
- ۷۷- همان، ج ۱، ص ۱۵
- ۷۸- همان، ج ۶، ص ۲۶
- ۷۹- همان، ج ۶، ص ۳۶۳
- ۸۰- همان، ج ۲، ص ۲۲۷
- ۸۱- همان، ج ۳، ص ۴۳۲
- ۸۲- همان، ج ۳، ص ۳ و ۴۳۲
- ۸۳- همان، ج ۳، ص ۲۱۵
- ۸۴- همان، ج ۵، ص ۳۳۸
- ۸۵- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، واژه رزق
- ۸۶- آمدی، غرر و درر، ج ۱، ص ۳۵۹
- ۸۷- همان، ج ۴، ص ۲۸۷
- ۸۸- همان، ج ۴، ص ۲۹۰
- ۸۹- همان، ج ۱، ص ۱۹۶
- ۹۰- همان، ج ۱، ص ۳۵۸
- ۳۰- همان، ج ۱، ص ۲۱۰
- ۳۱- همان، ج ۵، ص ۳۳۶
- ۳۲- همان، ج ۱، ص ۲۶۱
- ۳۳- همان، ج ۱، ص ۲۷۷
- ۳۴- همان، ج ۱، ص ۱۹۶
- ۳۵- همان، ج ۱، ص ۳۲۸
- ۳۶- همان، ج ۱، ص ۱۹۵
- ۳۷- همان، ج ۵، ص ۱۴۸
- ۳۸- همان، ج ۳، ص ۲۲۴
- ۳۹- همان، ج ۴، ص ۵۹۲
- ۴۰- همان، ج ۵، ص ۲۲۱
- ۴۱- همان، ج ۲، ص ۲۲۹
- ۴۲- همان، ج ۱، ص ۱۹۹
- ۴۳- همان، ج ۵، ص ۳۳۲
- ۴۴- همان، ج ۶، ص ۱۲۲
- ۴۵- همان، ج ۳، ص ۳۹۰
- ۴۶- همان، ج ۶، ص ۳۵۳
- ۴۷- همان، ج ۲، ص ۲۷۷
- ۴۸- همان، ج ۵، ص ۳۷۹
- ۴۹- همان، ج ۳، ص ۲۰۱
- ۵۰- همان، ج ۳، ص ۲۱۰
- ۵۱- همان، ج ۳، ص ۲۳۷
- ۵۲- همان، ج ۱، ص ۸۲
- ۵۳- همان، ج ۳، ص ۴۱۸
- ۵۴- همان، ج ۴، ص ۲۰۹
- ۵۵- همان، ج ۴، ص ۱۲۱
- ۵۶- همان، ج ۵، ص ۱۸۴
- ۵۷- همان، ج ۱، ص ۸۳
- ۵۸- همان، ج ۴، ص ۵۵۸
- ۵۹- همان، ج ۶، ص ۱۲۲
- ۶۰- همان، ج ۳، ص ۳۱۴

- ۹۱- همان، ج ۵، ص ۴۲۵
- ۹۲- همان، ج ۵، ص ۱۵۰
- ۹۳- همان، ج ۵، ص ۲۲۷
- ۹۴- همان، ج ۱، ص ۲۲۸
- ۹۵- همان، ج ۵، ص ۲۶۸
- ۹۶- همان، ج ۲، ص ۶۰۹
- ۹۷- همان، ج ۱، ص ۱۳
- ۹۸- همان، ج ۲، ص ۴۳۶
- ۹۹- همان، ج ۲، ص ۵۴۰
- ۱۰۰- همان، ج ۴، ص ۲۰۴
- ۱۰۱- همان، ج ۵، ص ۳۹۶
- ۱۰۲- همان، ج ۵، ص ۳۹۶
- ۱۰۳- همان، ج ۲، ص ۸۷
- ۱۰۴- همان، ج ۱، ص ۱۷۳
- ۱۰۵- آمدی، غررالحکم و دررالكلم، ج ۱ حرف الف، حدیث ۵۸۶
- ۱۰۶- آمدی، شرح غرر و درر، ج ۶، ص ۱۶۶
- ۱۰۷- همان، ج ۵، ص ۱۹۲
- ۱۰۸- همان، ج ۶، ص ۳۸۳
- ۱۰۹- همان، ج ۶، ص ۳۱۶
- ۱۱۰- همان، ج ۳، ص ۴۳۶
- ۱۱۱- همان، ج ۲، ص ۸۰
- ۱۱۲- همان، ج ۲، ص ۴۸۶
- ۱۱۳- همان، ج ۵، ص ۳۵۵
- ۱۱۴- همان، ج ۶، ص ۱۲۰
- ۱۱۵- همان، ج ۳، ص ۲۴
- ۱۱۶- همان، ج ۱، ص ۶۷
- ۱۱۷- همان، ج ۳، ص ۱۳۸
- ۱۱۸- همان، ج ۶، ص ۲۷۵
- ۱۱۹- همان، ج ۲، ص ۱۲۸
- ۱۲۰- همان، ج ۲، ص ۱۰۸
- ۱۲۱- همان، ج ۴، ص ۶۰۴
- ۱۲۲- همان، ج ۱، ص ۱۹۴
- ۱۲۳- همان، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۱۲۴- همان، ج ۲، ص ۱۰۸
- ۱۲۵- همان، ج ۶، ص ۱۶
- ۱۲۵- تکراری، همان، ج ۶، ص ۱۳۶
- ۱۲۶- همان، ج ۲، ص ۲۲۹
- ۱۲۷- همان، ج ۲، ص ۱۷۵
- ۱۲۸- همان، ج ۶، ص ۲۴
- ۱۲۹- همان، ج ۱، ص ۳۵۴
- ۱۳۰- همان، ج ۲، ص ۲۰۶
- ۱۳۱- همان، ج ۳، ص ۳۰۴
- ۱۳۲- همان، ج ۴، ص ۱۳۴
- ۱۳۳- همان، ج ۳، ص ۲۰۰
- ۱۳۴- همان، ج ۳، ص ۴۱۸
- ۱۳۵- همان، ج ۳، ص ۳۵۸
- ۱۳۶- همان، ج ۳، ص ۴۲۶
- ۱۳۷- همان، ج ۲، ص ۸۲
- ۱۳۸- همان، ج ۲، ص ۲۰۴
- ۱۳۹- همان، ج ۲، ص ۲۲۷
- ۱۴۰- همان، ج ۵، ص ۹۶
- ۱۴۱- همان، ج ۳، ص ۴۳۲
- ۱۴۲- همان، ج ۳، ص ۴۲۵
- ۱۴۳- همان، ج ۵، ص ۴۶۸
- ۱۴۴- همان، ج ۲، ص ۴۱۰
- ۱۴۵- همان، ج ۴، ص ۱۰۴
- ۱۴۶- همان، ج ۲، ص ۶۰۵
- ۱۴۷- همان، ج ۵، ص ۹۶
- ۱۴۸- همان، ج ۲، ص ۳۹۷
- ۱۴۹- همان، ج ۶، ص ۳۱۵
- ۱۵۰- همان، ج ۲، ص ۱۷۸

- ۱۷۸- همان، ج ۴، ص ۲۳۳
- ۱۷۹- همان، ج ۶، ص ۵۶
- ۱۸۰- همان، ج ۱، ص ۱۵۰
- ۱۸۱- همان، ج ۱، ص ۱۹۱
- ۱۸۲- همان، ج ۱، ص ۲۶۹
- ۱۸۳- همان، ج ۴، ص ۲۰۵
- ۱۸۴- همان، ج ۴، ص ۲۰۶
- ۱۸۵- همان، ج ۴، ص ۲۰۷
- ۱۸۶- همان، ج ۳، ص ۴۲۷
- ۱۸۷- همان، ج ۴، ص ۳۰۴
- ۱۸۸- همان، ج ۵، ص ۴۹
- ۱۸۹- همان، ج ۴، ص ۲۴
- ۱۹۰- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۲۴۲
- ۱۹۱- شرح غرر و درر آمدی، ج ۲، ص ۴۶۵
- ۱۹۲- همان، ج ۶، ص ۲۸۷
- ۱۹۳- همان، ج ۱، ص ۳۷۵
- ۱۹۴- همان، ج ۱، ص ۳۹۴
- ۱۹۵- همان، ج ۲، ص ۱۴۳
- ۱۹۶- همان، ج ۳، ص ۴۳۳
- ۱۹۷- همان، ج ۱، ص ۲۵۶
- ۱۹۸- همان، ج ۱، ص ۱۳
- ۱۹۹- همان، ج ۲، ص ۱۲
- ۲۰۰- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۴
- ۲۰۱- آمدی، غرر و درر، ج ۳، ترجمه محدث، ص ۴۳۲
- ۱۵۱- همان، ج ۲، ص ۷۶
- ۱۵۲- همان، ج ۵، ص ۴۸
- ۱۵۳- همان، ج ۵، ص ۴۸
- ۱۵۴- همان، ج ۵، ص ۴۲۸
- ۱۵۵- همان، ج ۲، ص ۴۸۵
- ۱۵۶- همان، ج ۲، ص ۳۹۱
- ۱۵۷- همان، ج ۲، ص ۱۴۳
- ۱۵۸- همان، ج ۵، ص ۳۷۱
- ۱۵۹- همان، ج ۴، ص ۳۵۶
- ۱۶۰- همان، ج ۶، ص ۱۸۵
- ۱۶۱- همان، ج ۶، ص ۱۳۶
- ۱۶۲- همان، ج ۲، ص ۴۸۵
- ۱۶۳- همان، ج ۳، ص ۷۹
- ۱۶۴- همان، ج ۲، ص ۱۹۶
- ۱۶۵- همان، ج ۲، ص ۸۵
- ۱۶۶- همان، ج ۵، ص ۳۵۶
- ۱۶۷- همان، ج ۵، ص ۱۴۴
- ۱۶۸- همان، ج ۲، ص ۱۷۵
- ۱۶۹- همان، ج ۴، ص ۶۲۳
- ۱۷۰- همان، ج ۵، ص ۲۵۳
- ۱۷۱- همان، ج ۶، ص ۱۶۴
- ۱۷۲- همان، ج ۲، ص ۱۲۳
- ۱۷۳- همان، ج ۲، ص ۲۳۱
- ۱۷۴- همان، ج ۴، ص ۳۰۴
- ۱۷۵- همان، ج ۳، ص ۴۱۸
- ۱۷۶- همان، ج ۴، ص ۲۰۶
- ۱۷۷- همان، ج ۲، ص ۱۷۲